



پان اسلامیسیم "میانه روها" و امپریالیسیسم!

افشا - مفرک فارلین بهایران
توسط یک مجله عربی زبان لبنانی
آزاد شدن یک آمریکائی که توسط نیروهای
مذهبی لبنانی متعایل به رژیم جمهوری
اسلامی گروگان گرفته شده بود، خریدار ملحه
وتجهیزات نظامی از آمریکا با میانجیگری
ودلالی اسراشیل، سرآغاز جدیدی شد بر
آشکار شدن سلسله مناسبات و روابط
پنهانی رژیم با آمریکا و دیگر دولت های
امپریالیستی که هنوز هم در روزنامه ها و
رادیوهای کشورهای مختلف حول آن بحث
ومجادله صورت میگیرد.

در آغا اگر چه برخی از سران رژیم
ودولتمردان سعی در انکار آن نمودند و
حتی چنین امری را غیر ممکن وانمود
می ساختند، اما اظهارات ریگان و سخنان
مک فارلین مشاور امنیتی سابق او در
در صفحه ۳

در صفحات دیگر:

● اخبار جنبش توده ای

در صفحه ۱۳

● یادای زجنیش ملی آذربایجان

در صفحه ۲۲

● انقلاب اکبر

ما رشظفر نمون پرولتاریای

آگاه و متشکل

در صفحه ۲۲

ادامه جنگ

مستمسک جوئی و استیصال رژیم

رژیم ارتجاعی و روبرو به اضحلال
جمهوری اسلامی، برای بقاء نظام سرمایه
داری و تحکیم پایه های متزلزل حکومت
بورژوا - مذهبی موجود، از فرط استیصال
به هرگونه دستاویزی که فراروی خود
می بیند، جنگ میزند. جنگ وادامه آرا
به مثابه مهمترین عاملی که بتواند
تأمین کننده چنین دوا می باشد، کماکان
مسئله اصلی می خواند و آن را همچنان
در صدر سیاستهای ارتجاعی - پان اسلامیتی
خود قرار داده است. هر روز به بهانه های
سعی میکنند زمینه های لازم و مساعدی را که
قادر باشد موانع موجود بر سر راه ادامه
در صفحه ۳

دهم آذر ماه

دومین سالگرد فعالیت رادیو

صدای فدائی

بانگ رسای کارگران و زحمتکشان

گرامی باد

آغاز پنجمین

ایمانگاه

ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال انتشار

در صفحه ۴

پرامون اصول بنیادین برنامه ما،

درباره تأمین حقوق ملیتهای تحت ستم ایران

خواهید یافت که طبقه کارگر در جریان مبارزه
برای دموکراسی پیگیر و دست یابی بدان، خود را
برای انجام هدف نهائی خویش آماده
کرده باشد.

بر همین اساس است که سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران بنا بر
نیازهای عینی جامعه و بمنظور از میان
برداشتن موانع اصلی بر سر راه تکمیل
اجتماعی بطور اعم و تکامل جنبش طبقه
کارگر بطور اخص برنامه دموکراتیکیز کردن
اقتصادی - سیاسی جامعه را در دستور کار
فوری خود قرار داده است.

در این نوع از دموکراسی - سوده ای

در صفحه ۵

ما کمونیستها بمنابه پیشاهنگان
پرولتاریا، هدف نهائی خود را واژگون
ساختن کلیت نظام اجتماعی سرمایه داری
و تسخیر قدرت سیاسی قرار داده ایم. پس
آشکارا اعلام میداریم تا سلب مالکیت از
بورژوازی و جایگزینی مالکیت اجتماعی
بحای مالکیت خصوصی بروشائل تولید و
مبادله، یعنی استقرار نظام سوسیالیستی
و محو طبقات خواهیم جنگید. این هدف
نهائی بنیانگراین است که کمونیستها
منافعی مجزا از منافع طبقه کارگر
ندارند.

بورژوازی اما، هنگامی شکست خواهد
خورد و با سوسالیسم هنگامی استقرار و کامل

پان اسلامیسیم
"میان نه روها"
امپریالیسم!حقا دز تاریخ مایک قله برجسته ای (است)
دروند حرکتان!وقتی آشکار شدن تجاسهای پنهانی
با فرستادگان ریگان درزمره بزرگترین
پهروزیهای دولت جمهوری اسلامی محسوب
میشود و معاملات تسلیحاتی و برقراری
روابط حسنه با آشپاشی به "قلعه" ای
برجسته دروند حرکت رژیم به شما آید،
چرا نباید امپریالیسم آمریکا به حمایت
از آن برنخیزد و چرا باید جمهوری
اسلامی را مورد بی مهری قرار دهد؟سران امپریالیسم آمریکا اگر چه در
ابتدا تلاش کردند تا این حرکت را در
محدوده آزاد ساختن گروگانهای آمریکائی
توسط حزب الهی های لبنانی قلمداد
کنند و با آن را در جفروش چند قبضه کلکت
محصور نمایند! اما بدنبال جنجال ها
و انتقادات جناح های مختلفا امپریالیستی
ایمان این مسئله بیشتر فاش گردید .
ارباب مخالفین در داخل برای آرام
نمودن اوضاع انلجارا میز و نانخ از آن
نشد که به این مسئله دامن زده نشود .
رقابت میان جریان های مختلف سرمایه -
داری و قدرتها و انحارات امپریالیستی،
در جهت بهره جویی از این رویدادها، منجر
به افشاء هر چه بیشتر روابط پنهانی
رژیم با دول امپریالیستی و ارتجاعی
گردید . اگر ریگان نماینده امپریالیسم
آمریکا اشاره به این میکند که "جمهوری
اسلامی یک واقعیت است که آن را باید
پذیرفت"، این بمعنای آن است که
امپریالیسم آمریکا با شامه تیز خود مناسبتین
با سخ دوستانه را به خمینی ارائه داده و
قدرو قیمت درک سران رژیم را از
"پیروزی" نیز دانسته است .سران رژیم نیز که قادر به انکار
مسائل و موارد افشاء شده نبودند، سعی
کردند تا از این مسئله به نفع خود و در
جهت اهداف ارتجاعی شان سود جویند .
آنان از سخنان ریگان بهره برداری نمود
و با طرح اینکه "بزرگترین قدرت جهانی
جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخته است"
یکی از آرزوهای دیرینه خود را انجام
شده تلقی کردند و حکومت خود را تثبیت
شده اعلام داشتند . دولتمردان اسلامی در
ازا لطمه خوردن به حیثیت ظاهری "فدزمینه اینکه مذاکرات او از هجده ماه پیش
شروع شده و بنابر امسال با مقامات رسمی
ایرانی در لندن دیدار داشته و از همه
مهمتر آنکه چند ماه پیش (خرداد ماه) در
فسرودگساره از سوی مقامات رسمی
ایرانی در تهران مورد استقبال قرار
گرفته است . چاشی برای انگارایین
مسئله از جانب سران رژیم باقی نگذاشته
رفسنجانی مبتکر اصلی این ملاقات ، وادار شد
تا در سخنانی که بمناسبت روز تسخیر لانه جاسوسی
و "مبارزه ضد امپریالیستی" ادا کرده به غیر نماینده
امپریالیسم آمریکا به ایران و ملاقات با
یکی از این "جاسوسان" اعتراف نماید .
اعتراف رفسنجانی تمایل آشکارا و راه
برقراری روابط با آمریکا تحت عنوان
"روابط عادلانه"، شکاف دیرینه میان دو
جناح اصلی حاکمیت را عمیق تر ساخت .
نمایندگان جناح بازاری که بویژه در طول
سال جاری حملات متمرکز و خروید تتری را
علیه جناحی که رفسنجانی آن را
نمایندگی میکنند تشدید کرده اند، برای
ضربه نمودن حریف خود موقعیت را مناسب
یافته و آغاز به شدیدترین حملات نمودند .
نمایندگان بورژوازی تجاری، نسبه از
زاویه مخالفت با امپریالیسم آمریکا و با مخالفت
با خرید اسلحه و عادی سازی مناسبات با
این کشور، بلکه از این جهت که در میان
این جنجال ها و عادی سازیهای مطروحه
اینگار عمل را از دست خود خارج شده
دیدند، حملات خود را از درون مجلس ارتجاع
و علیه رفسنجانی سازمان دادند .خمینی اما با موضعگیری آشکار علیه
این جناح و تهدید جدی آنان، باز هم به
دفاع از رفسنجانی پرداخت و نشان داد که
با برنامهریزی عادی سازی مناسبات با
آمریکا کاملاً توافق نظر داشته است . از
همین رو، تماسهای پنهانی در جهت
تقویت روابط با امپریالیسم آمریکا را
"پیروزی" خواند و کلیه عناصری را که با
این مسئله به مخالفت برخاسته اند مورد
سرزنش قرار داد و تلویحا خواستار آن شد
که این مسئله امری خاتمه یافته تلقی
شود و در مورد آن هیچکس چیزی نگوید! .
رفسنجانی رهنمود "امام" را و درک
از "پیروزی" مورد نظر رژیم را در اولین
هفته آذرماه و در نماز جمعه تهران بصط
داد، او گفت: "این پیروزی که ما بدست
آورده ایم و این روزها شاهد هستیم در
سراسر دنیا همانطور که امام فرمودند
بدون هیچ اغراقی جز - پیروزیهای
درخشان هفت، هشت ساله انقلاب است کهامپریالیستی" شان، همه جا محبت از
تشبیهت خود کردند .رفسنجانی در خطبه نماز جمعه میگوید:
"انما فای آنچه که ثابت شد تمامش پیروزی
بود برای جمهوری اسلامی، اینها قبلاً می
حرف میزدند که جمهوری اسلامی متزلزل
است، تکیه به یک شخص، مردم ناراضی اند،
مردم ناراحت اند، اقتصادش چه جوریه،
داشما القاء تزلزل میکردند با ما کاملاً
اعتراف کردند و دست دادند که این انقلاب
پیروز شده، موفق شده و ثبات جمهوری
اسلامی تضمین است!"این سخنان رفسنجانی به بهترین
نحوی مغفل بی ثباتی رژیم را به نمایش
می گذارد، او در حین اعتراف ضمنی به
اوضاع رقت بار رژیم، صحبت های ریگان
و ایمان "سند" و در تائید تشبیهت جمهوری اسلامی
ارائه میکند . رفسنجانی همینکه رژیم
توانسته است با واسطه اسرائیل تجهیزات
نظامی از آمریکا خریداری کند و بسا
بعبارتی آمریکا را ضربه فروش اسلحه
گشته است، آن را پیروزی درخشان می
خواند و از آن، ثبات رژیم را نتیجه
میگیرد . سران رژیم درست موقعی که
بیش از هر زمان دیگری با پهای حکومتشان
متزلزل و رونی ثبات تراست، تلاش
میکند تا از طریق معامله با امپریالیستها،
به خود امپریالیستها تضمین ثبات
بدهند! ما در ادامه خواهیم دید که روابط
امپریالیسم آمریکا با ایران، به بر
اساس با مطلق تشبیهت رژیم، که اتفاقاً
نقطه مقابل آن یعنی فروپاشی
قریب الوقوع آن است .نگاهی مختصر به اوضاع جامعه و
وضعیت رژیم برای صحت این مسئله کافی
است . بحران عمیق اقتصادی - سیاسی
تمامی ارکان جامعه را در خود فرو برده
است . شکاف درونی حاکمیت بیش از پیش
دهان باز کرده است، جنگ ارتجاعی ایران
و عراق مدت ها است به بن بست رسیده است،
جمهوری اسلامی برای بقا، خود به سر
دستاویزی جنگ میزند اما در عین حال
بیش از هر وقت دیگری به ورطه سقوط
نزدیک گشته است . رژیم بخوبی دریافته
است که نمیتواند در بحران موجود فاشق
آید و بویژه از اوج گیری مباررات
نوده ای که پشاروی خود می بینند
جلوگیری نماید . سرکوب انقلاب و حفظ
نظام یوسیده سرمایه داری حاکم
مهمترین مؤلفه ای است که به نزدیک تر

ادامه جنگ

مستملک جوانی و استیصال رژیم

جنگ را از میان بردارد و ملزومات و نیازهای مادی و معنوی پرورده ادا نموده جنگ را میسر و ممکن سازد، فراهم نماید. در همین راستا، عملکردهای رژیم بطور اجتناب ناپذیری مشکلات عدیده و نابسامانیهای موجود در سطح جامعه را بطور دم افروزی تشدید میکند و بر نا رضایتی عمومی توده ها و تنفرشان از جنگ بمشورتوان یکی از موانع اصلی ادامه جنگ، می افزاید.

ایام ویژه، نمازهای جمعه، مراسم و مناسبت های گوناگون، هفته جنگ، هفته دولت، هفته وحدت و دهها بهانه دیگر از این قبیل در دست رژیم به ابزاری تبدیل میگرددند که سرکوب و حمتکشان خلق کرد ارموشی و ادامه جنگ ارتجاعی را از سوی دیگر عملی نماید.

هنوز مدت زمانی از تلاشهای سران نظامی و مقامات دولتی در هماهنگی نمودن تبلیغات نهاد های دولتی برای بسیج نیرو جهت اعزام به جبهه ها در "هفته جنگ" نگذشته است و جوهش سر فراخوانهای پی در پی مسئولین و کارکنان دولتی بدین منظور بر کاغذهای رسمی ارگانهای دولتی خشک شده است که سران رژیم به ترغیب دیگری روی می آورند و ریسمان دیگری میجوینند! هفته جنگ علیرغم هیاهوی زیادی که حول آن برپا میشود، نه تنها بی هیچگونه دستاوردی برای رژیم، بلکه بی آنکه سران دولتی قادر گردند حتی برای دانش آموزان معترض کردستان در مورد جنگ فقط سخن رانی و تبلیغ کنند بهایان میرسد و جای خود را به "هفته بسیج" می سپارد!

نزدیک به سیمد تن از عقوبت مانده ترین و مرتجع ترین عناصر رده بالای وابستگان رژیم، امثال حسین بنی نماینده خمینی در آذربایجان، موسوی نماینده "امام" در کردستان، امام جمعه سنج و اشمه جمعه شهرهای دیگر کردستان، امام جمعه تبریز، همدان، ارومیه... به همراه بالکی ها و

مرتجعینی از قماش خود از کشور های پاکستان، بنگلادش، افغانستان، هند، سودان، مصر، و انگلستان! به همین مناسبت در سنج گردهمی آیند و برای پرهیز از پراکندگی در شبور "وحدت" میدهند و به "ریسمان الهی" جنگ میزنند تا اوضاع را بروفق مراد و مطابق منافع خود در آورند و ضمن دامن زدن بسطه کوشش های پان اسلامیستی، پان، هویت و رسمیت بخشند.

جنتی، عقوقهای شورای نگهبان، یکی از مهره های اصلی رژیم که نقش مهمی در اینگونه تلاشها بازی میکند، پیش شرط جنگ اندازی به "ریسمان الهی" را تملیه درونی میداند و خطاب بسطه مسئولین دولتی در کردستان از آنان میخواد که به "ما هنگی و وحدت و همدلی بیشتر بها دهند" او میگوید: "تا عوامل تفرقه شناسی و کنا رگذاشته نشوند نمیتوان به ریسمان الهی جنگ زد و از تفرقه و تشتت جلوگیری کرد!"

اما دیری نمی گذرد که تلاشهای وحدت طلبانه این مرتجعین خشک میسر، بدون نتایج عملی و مطلوب آنان و بویژه بی هیچگونه اثری در پیش گیری از تشدید و تعمیق اختلافات درونی رژیم بی فرجام می ماند و پوشیدگی قدیمی این ریسمان نیز آفتابی میشود. لاجرم سران رژیم در جستجوی ریسمانی دیگر به "هفته بسیج" جنگ می اندازند!

مرتجعین و کارگزاران رژیم فرتوت و بورژوازی جمهوری اسلامی، که ناتوانی شان در حفظ و ادامه وضعیت موجود بیش از پیش آشکار گشته است و به لحاظ تجهیز نیرو و امکانات جهت ادامه جنگ ارتجاعی در بن بست چاره ناپذیر گیر افتاده اند، با ابداع هفته های جورا جور و توسل بسطه این تمهیدات، آخرین کوشش های بی ثمر و نهایت توان خود را در ادا به پان سلامیم و سرکوب کارگران و حمتکشان بکسار می گیرند. رژیم با هدف تثبیت خود به این دستاویزها روی می آورد، اما معضل، معضل گندیدگی رژیم بورژوازی حاکم که مانع از دست یابی به این هدف است، بزرگتر و پیچیده تر، همچنان باقی میماند. مسئول بسیج استان کردستان، ضمن سخنرانی در گردهمی مسئولین پایگاههای بسیج وعده میدهد که در هفته بسیج "ضربه اساسی و آخر را بر پیکر مدام" خواهد زد.

مسئولین بسیج در کردستان، با هدف تسلیم توده ها و بهایان کشانیدن آنان، دست به تبلیغات گسترده ای می زنند، اما در عمل تبلیغات ارتجاعی آنان نمی تواند به اهدافشان تحقق یابد. تلاشهای مرتجعین در آن حسد باقی می ماند که جز مشتی عناصر سرسپرده و وابسته به رژیم، نمیتواند کسی را وادار به نمایش های مسخره آمیز خیابانی نماید!

مردم کردستان عموما، و بویژه کارگران و حمتکشان نشان داده اند که اهداف ارتجاعی رژیم از این سیاست را می شناسند و تاکنون و در اکثر موارد، اکثر قریب به اتفاق - زیر بار این سنگ نرفته اند. سیاست بسیج جباران رژیم در کردستان، اگر از نمونه های محدود و صرف نظر شود، اساسا، با شکست مواجه گشته است، اعتراضات ضمنی دولت سران مبنی بر کاهش تعداد افرادی که در سال جاری در پایگاههای بسیج سازماندهی گشته اند، نسبت به سال پیش، حاکی از این مسئله است. اما این امر مانع از آن نیست که رژیم به تلاشهای خود در این زمینه و در سرکوب و ارباب کارگران و حمتکشان کردستان ادامه ندهد.

اوایل آذر ماه و به بهانه "هفته بسیج" ارگانهای متعدد سرکوب دولتی، در شهرهای مختلف کردستان و از جمله سنج، بیجار، قروه، کامیاران و دیواندره، دست به مانشورهای مشترک نظامی زدند. مرتجعین بسیجی و سپاه پاسداران به همراه دیگر نهادهای نظامی، روز چهارم آذرماه در شهر سنج و در حضور استاندار کردستان، فرمانده ژاندارمری و مرتجعین دیگری امثال اینها، دست به مانشور شهری زدند و با استقرار در نقاط مختلف شهر، با اصطلاح اقدام به "حفاظت و کنترل" مراکز مهم و حساس نمودند. فرمانده سپاه پاسداران استان کردستان هدف از اجرای یک چنین برنامه هایی را چنین توضیح میدهد:

"هدف از اجرای این مانشور... فراهم نمودن آمادگی های لازم در بین اقشار مردم و رزمندگان و انجام تمرینات دفاعی برای ایجاد امنیت و حراست از شهرها بود تا چنانچه وضعیت خاص و اضطراری بوجود آمد مردم و نیروهای سازمان یافته بتوانند از نقاط حساس شهری دفاع کنند." مانشور مشترک ارگان های مرکب در صفحه ۸

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

آغاز پنجمین سال انتشار

آغاز پنجمین سال انتشار

آغاز ماه سال ۶۵ مصادف است با آغاز پنجمین سال انتشار ریگای گیل به همین مناسبت، نگاهی می افکنیم به کاریکامه گذشته نشریه، نقاط ضعف و قوت آن.

یک سال دیگر از انتشار ریگای گیل، ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گذشت. چهارمین سال انتشار دوره جدید نشریه ریگای گیل را در شرایطی پشت سرمی گذاریم که بحران اقتصادی - سیاسی جامعه و تضادهای درونی رژیم جمهوری اسلامی به نحو کم سابقه ای شدیدگشته است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق بعنوان یکی از سیاهتهای اصلی خارجی رژیم در طول یکسال گذشته نیز تداوم داشته و بعد از آن بیش از پیش به کردستان نیز کشیده شده است. تبعات مخرب جنگ در ابعاد گسترده تری بازم برزندگی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران سایه افکنده و آنان را به فقر و فلاکت بیشتری سوق داده است. بیکاری گزانی، کمبود رزاق عمومی و دهها معیبت اجتماعی دیگر و تضیقات روبه تزايد حاصل از سیاست های ارتجاعی رژیم، زندگی میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان ایرانی و از جمله خللی زحمتکش کرد را به صیه روزی و تنهایی گشاده است. بورژوازی حاکم برای بقا موقعیت بی ثبات خود، برداشته سیاستهای سرکوبگرانه و خفقان آمیزش هر دم افزوده است. تا از این طریق جلو مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان را مسدود نموده و سقوط خود را به تاخیر اندازد.

پنجمین سال انتشار نشریه ریگای گیل را در شرایطی آغاز میکنیم که ماهیت ارتجاعی رژیم بیش از پیش برملا گشته است. شعارهای پوچ و میان تهی با صلاخ ضد امپریالیستی عمیقاً رنگ باخته و مناسبات پنهانی و معاملات اسلحه رژیم با "شیطان بزرگ" و اسرائیل، بمنظور ادامه جنگ ارتجاعی، آنچنان رسوایی برای رژیم ببار آورده است که حتی غیب افتاده ترین بخش شده ها را نیز نوهی نسبت به سران رژیم نمانده است. سازمان مادر روابرونی با رژیم طی یک سال گذشته، به شکل مستعمری سیاست های فریب آمیز، ارتجاعی و

بان اسلامیستی و روافضاء نموده و دشمنی او را با کارگران و زحمتکشان در تمام عرصه ها آشکار کرده و با هدف سرنگونی رژیم تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را تبلیغ و ترویج نموده است. سازمان همچنین در شرایط بحرانی جامعه و آشفته بازار مدعیان منافع کارگران، سیاست های اپورتونیستی اکونومیستی و رفرمیستی و هرگونه انحراف دیگر احزاب و دستجات مختلف سیاسی را در سطح جنبش بطور جدی افشاء نموده، و پیگیرانه با ناپنگیری های موجود به مقابله برخاسته است و بعنوان یگانه سازمان مدافع راستین منافع طبقه کارگر ایران، پرچم استقلال طبقاتی این طبقه را برافراشته و مصمانه از آن بدفاع برخاسته است.

ریگای گیل با الهام از یک جنبش خط مشای مبلغ و مروج چنین سیاستی در سطح منطقه بوده است. ریگای گیل از سوئی به مقابله با سیاست های ارتجاعی رژیم در رابطه با کردستان و افشاء این سیاستها برخاسته است و از سوی دیگر تلاش نموده است سیاست مستقل طبقه کارگر ایران را در قبال مسئله ملی تبلیغ و ترویج نماید و مبلغ راستین خط پرولتری در جنبش انقلابی خلق گردیده است. درهمین راستا، با انواع گرایشات بورژوا-رفرمیستی، ناسیونالیستی، بوندیستی و غیره به مقابله جدی برخاسته است، هر گونه سازشکاری با رژیم و مساوات با بورژوازی حاکم را قویاً مردود و محکوم داشته و کلیه کوشش های تفرقه افکنانه میان کارگران را فاش و برملا ساخته و با آن درافتاده است. با تاکید بر همپروشی کارگران و زحمتکشان کردستان با دیگر نقاط ایران، استراتژی واحدی را در قبال طبقه کارگر و انقلاب ایران ترویج نموده است.

ریگای گیل با عزیمت از این نقطه که بتواند تلاش های رژیم را جهت پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش فاش سازد، عملکرد ارگانهای دولتی و سخنان سران رژیم را در منطقه تعقیب نموده و از موضع کارگران و زحمتکشان به مقابله با آن پرداخته، اهداف ارتجاعی و چهره واقعی آنان را به توده های زحمتکش خلق کرد نمایانده است و ضمن ساده نویسی اینگونه مقالات که قابل فهم برای تعداد بیشتری از توده ها در منطقه باشد، آنان را به مبارزه متحدانه و متشکل تر جهت سرنگونی رژیم رهنمون گشته است.

در طول یک سال گذشته، رژیم با

اعمال سرکوب مداوم و افزایش نیروها و مراکز سرکوب خود در کردستان، سعی در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی، سر بازگویی، تسلیح و کوچ اجباری داشت و در این راستا از طریق فریب و شیرنگ توسط ارگانها و افراد وابسته بخود همپوین شوزاهای اسلامی و با امام جمعه ها در کنار سرکوب خونین که تکیه گاه اصلی پیشبرد این سیاست بوده سودجسته است. اما برغم تلاشهای مذبحانه، مبارزات زحمتکشان خلق کرد حمایت آنان از پیشمرگان انقلابی و تعرضات انقلابی پیشمرگان ادامه یافته است. یکی دیگر از جنبه های تلاش ریگای گیل، افشاء بی امان این سیاستهای ارتجاعی و با زتاب روحیه انقلابی زحمتکشان، عملیات انقلابی پیشمرگان، مبارزات عادلانه، توده های خلق کرد و نشان دادن عزم و اراده خلیل ناپذیر آنان بوده است.

در طول یکسال گذشته متأسفانه مشکلات داخلی جنبش خلق کرد و بویژه درگیریهای خونین حزب دمکرات و کومه له تداوم داشته است. ریگای گیل بعنوان وظیفه انقلابی، بخش دیگری از مطالب خود را برای پایان بخشیدن به این درگیریها و تلاش جهت برقراری آتش بس بدون قید و شرط، به این مسئله اختصاص داده و مجدانه سیاست هایی را که زمینه این درگیریها را فراهم آورده و کمالات اشکال و شبهه های گوناگون برادامه آن پای می فشارد، افشاء نموده است. شناختن آشکار درگیریهای مسلحانه را با منافع زحمتکشان خلق کرد گوشزد نموده و تبعات و تاثرات منفی آن را بر زندگی توده های خلق کرد که قطعاً از دامنه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می گذارد، تکراراً فاش و برملا ساخته است. سال گذشته نه تنها ادامه این درگیریهای خونین به سهم خود موجب محدودگشتن مبارزه علیه رژیم گردیده بلکه، اضافه بر آن، ائتلاف اتحادیه میهنی کردستان با قیاده موقت و همکارانی متقابل با رژیم جمهوری اسلامی و الزامات تبعی یک چنین همکاریها، تاثرات منفی و محدودکننده خود را بر فعالیت نیروهای انقلابی و مبارز برجای گذاشت و زمینه های عینی این محدودیت ها را بیش از پیش فراهم ساخت. اولین گام عملی نتایج و نشانه های ناشی از سیاست اتحادیه میهنی و همکاری با جمهوری اسلامی اگر چه با مداخله آشکار در امور داخلی سازمان تجلی یافت، اما در همین محدوده باقی ماند و در صفحه ۸

پرامون اصول بنیادین برنامه ما، درباره تامین حقوق ملیتهای تحت ستم ایران

کمونستی که این مسئله را نفهمد و روش خود را بر این پایه اتخاذ نکند کمونیت نیست، حتی یک دمکرات انقلابی نیز نخواهد بود. کسی که خود را انقلابی میداند باید از کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان به دفاع برخیزد و چون و چرا حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را برسمیت بشناسد.

کسانی که لفظاً این شعار را می پذیرند لیکن در عمل شعارهای محدود و تنگ نظرانه خویش را پیش میبرند، توده ها را اغفال میکنند و خوشبختی را نسبت به بورژوازی در بین آنان رسوخ میدهند.

گفتیم که طبقه کارگر در پرتو دمکراتیسم پیگیر خویش و با اتکا به اصول و قوانین عام جمهوری دمکراتیک که رهبریش را بر عهده دارد باید مسئله ملیتها بر خورد میکند.

جمهوری دمکراتیک خلق بطریق زیر حقوق ملیتها را تامین خواهد کرد:

الف) تساوی کامل حقوق ملیتها: در این زمینه جمهوری دمکراتیک خلق زبان رسمی اجباری را الفا میکند و آموزش اهالی به زبان مادری در مدارس استفاده از آثار در نهادهای دولتی و مجامع عمومی مجاز میشود.

همچنین جمهوری دمکراتیک خلق هر گونه امتیاز قومی و فرهنگی و نژادی را ملغی میسازد. چنین است طراز کاملاً تساوی حقوق ملت‌های تحت ستم ایران. اما باید اضافه کرد تنها با تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تساوی این حقوق با هم کاملتر خواهد شد.

ب) تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش: مفهوم این حق از نظر طبقه کارگر روشن است، این حق جز حق جدائی هر ملت از ملت‌های غیر خودی و تشکیل دولت مستقل معنای دیگری ندارد و ما نیز در برنامه بر آن تاکید کرده ایم. هرولتاریا در عین حالیکه از حق جدائی ملت‌ها جداگانه دفاع میکنند لیکن هیچ ملتی را تشویق به جدائی نمیکند.

در جامعه ما بنا بر مختصات نظام اقتصادی حاکم، عقب ماندگی اقتصادی و عدم رشد یکسان نیروهای مولده، ساختمان درونی ملت‌ها تکامل کافی نیافته و بر پایه طبقاتی شکل موزونی صورت گرفته است و این مسئله، مجزایا شدن عناصر هرولتری از عدا صبورژواشی درون ملت‌ها را با اهمیت تر میگرداند. بنا بر این هرولتاریا برخلاف

بورژوازی و شکست را از سر گذرانیده اند. جنبش‌های ملی در ایران هر کدام تنها به اهداف واقعی خویش ناشی نگشتند، بلکه بنا به دلائلی مشخص منجمله نفوذ و رهبری اشراف و فئودالها و بورژوازی ناسیونالیستها دچار محدودیت گشتند، توسط مرتجعین به انحراف کشیده شدند و در تشبیت دستاوردهای خود ناتوان ماندند. در دوره معین تاریخی کنونی در حالیکه جنبشهای انقلابی توده‌ای ملل تحت ستم ایران بازخیزهای داشته اند و ملل تحت ستم بر حقوق برحق و انقلابی خویش پای می فشارند، بورژوازی همراه با اعمال دیکتاتوری و سرکوب مریان بر تشدید ستمگری ملی افزوده است.

بورژوازی ایران، به مثابه پایگاه اجتماعی امپریالیسم نافی حقسوق و آزادیهای دمکراتیک و منکر برابری حقوق ملت‌ها است. تبعیضات ملی را تشدید میکند. و همچنان بر پایه دستم ملی میافزاید. اینک در حالیکه امپریالیسم بعنوان عامل تشدید ستمگری ملی بنا هزار رشته مرئی و نامرئی برجای میگذارد، سرمایه داران به کسب سود مشغولند و با فشار و استثمار و حشانه کارگران و زحمتکشان، سرمایه های افسانه‌ای می اندوزند، آیا بسرای حل مسئله ملی بعنوان یک خواست دمکراتیک و انقلابی ملیتهای تحت ستم که کثیرترین آنها داجا مع را در بر گرفته اند و از ستم طبقاتی و ملی رنج میبرند جز انقلاب و جز راه حل دمکراسی انقلابی میتوانند راه حل دیگری وجود داشته باشد؟ خیر! هیچ راه چاره دیگری وجود ندارد جز راه حل طبقه کارگر یعنی راه حل دمکراسی انقلابی، این است پاسخ کارگران آگاه، به همه ناسیونالیست.

خواست و مسئله ملی در دوره معین تاریخی - اقتصادی کنونی، خواستی دمکراتیک است که حصول آن به منظور انفکاک نا پذیری با برقراری دمکراسی توده‌ای مرتبط است، روشن است که حل این مسئله به سرنوشت انقلاب دمکراتیک توده‌ای به رهبری طبقه کارگر وابسته است.

ابزارهای سلطه بورژوازی نظیر ارتش دائمی، پلیس و بوروکراسی منهدم میگردد. توده‌های کارگر و زحمتکش با مشکل شدن در ارگانهای خاص خود قدرت سیاسی را در دست گرفته و با اتکا به اهرمهای دمکراسی پیگیر یعنی شوراها، قوانین اساسی دمکراتیک و ارتش مسلح توده‌ای، طی تغییرات انقلابی-عمومی در سراسر کشور به خواستهای خود دست می یابند.

حصول این نوع از دمکراسی که شاخص آن شوراها و حاکمیت مستقیم توده‌ها است نتیجه بلا واسطه پیروزی انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران است. با پیروزی انقلاب، سلطه امپریالیسم و وابگانه اجتماعی آن (بورژوازی وابسته) برمی افتد، حقوق و آزادیهای سیاسی توده‌ها تامین میشود و شرایط برای گذار به سوسیالیسم تسهیل میگردد.

روشن است انقلاب دمکراتیک ایران گامی است در جهت نیل به سوسیالیسم. ما دفاع قاطعانه از خواستهای دمکراسی انقلابی که حقوق ملل تحت ستم نیز یکی از آنهاست را وظیفه خود قرار داده ایم و بر اساس منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه منافع عموم توده‌های زحمتکش برنامه رهائی ملیتهای تحت ستم را در بخش حداقل برنامه ما زمانه ارائه نموده ایم.

سیاست و روش برخورد طبقه کارگر با ملل تحت ستم ایران بنحویست که باید ای. ترین حقوق آنان تضمین گردیده است. طبقه کارگر تساوی حقوق ملل را به رسمیت می شناسد، از خود جدائی و تشکیل دولت‌های مستقل آنان دفاع نمیکند و علیه هر گونه امتیاز ملی مبارزه می نماید.

در بخش حداقل برنامه ما، اجزاء مشخصی با قوانین کاملاً دمکراتیک به اساسی ترین حقوق ملیتهای ساکن ایران اختصاص یافته است. پیش از هر چیز با تامین رهبری طبقه کارگر در انقلاب و تامین دمکراسی پیگیر توسط این طبقه حق ملل در تعیین سرنوشتشان تضمین میشود. تاکنون در ایران طی دوره‌های معین تاریخی، جنبش‌های توده‌ای بخاطر کسب حقوق ملی - مراحل مختلفی از

سازماندهی طبقه کارگر

یا . . .

سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر است .
سراغارت هر چند هنوز مضمون خودش را
آشکارا نکرده ، اما نشان میدهد که منظور
بلوک کومه له و سهند ، آن اشکال سازماندهی
درونی طبقه کارگر است که یک حزب
کمونیست با برسمیت شناختن این
اشکال سازماندهی که ظرفیت بسط و
گسترش دادن راهم بعنوان سازماندهی
کمونیستی طبقه کارگر دارند و ایضا با اشکال
به آن میتواند وظایف خود را متعقیق
سازد .

از این رو برای یک حزب کمونیست
(منظورمان البته بهیچ وجه بلوک
کومه له و سهند نیست) وقتی که از
سازمانیابی و آرایش تشکیلاتی طبقه
کارگر سخن میگوید ، این یک امر بدیهی
است که اشکال سازمانیابی این طبقه
را - طبقه کارگر و نه یک توده بی شکل
مرکب از احاد منفرد را - بر اساس جایگاه
این طبقه در سازمان اجتماعی کار تبیین
نماید . بر این اساس ، و فقط بر این
اساس است که طبقه کارگر ، حتی در بدترین
شرایط نیز از اشکال معینی از سازمانیابی
خود بخودی و سوخت و ساز و آرایش تشکیلاتی
برخوردار است که این اشکال معین را از
اشکال سازمانیابی دیگر طبقات و اقشار
متمايز میکند . سازماندهی کمونیستی
طبقه کارگر نمیتواند بر مبنای هر شکل از
سازماندهی که وجه مشخصه اش منحصر به
طبقه کارگر نیست استوار شود و از این
گذشته هر شکل از سازمانیابی طبقه کارگر
هم نمیتواند مبنای سازماندهی کمونیستی
طبقه کارگر باشد .

بلوک کومه له و سهند در این
سراغارت ادها میکند که طبقه کارگر یک
توده بی شکل مرکب از احاد منفرد نیست
و از اشکال معینی از سازمانیابی نیز
برخوردار است . اما همانا این ادعا فقط
در سراغاز سخن است و این بلوک در ادامه
بحث نشان میدهد که اساسا درکی از اشکال
معین سازمانیابی یک طبقه ندارد ، چه
رسیده سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر ،
توجه کنید و ببینید درک این
سویا لیستهای دهقانی ما از اشکال معین
سازمانیابی درونی طبقه کارگر چیست .
نشریه " کمونیست " که الحق نامش باید
اکونومیست باشد در ادامه می نویسد :

" یک شکل دائمی سازمانیابی در
درون طبقه کارگر ، که در آن روابط بسط

پوپولیسم را تخطئه کردند و بازگشت به
اصول راسوخه نمودند . در پشت این
پوشش ، اما ، بازگشت به اکونومیسم ناب
و اصول کمونیسم بدوی قبل از مارکس
سنگر گرفته بود . بلوک کومه له و سهند که
قبلا با نفی انترناسیونالیسم پراولتری
بازگشت به اصول سوسیالیسم دهقانی را
آغاز نموده بود ، و با نفی دستاوردهای
جنبش کمونیستی ، عملا تا سرحد نفی
لنینیسم به عقب تاخته بود ، در دستند اوم
این عقب نشینی خود ، آنهم با عنوان
" مارکسیسم انقلابی " ، به نفی مطلق
سازماندهی لنینی ناشل گردیده است .
افتخاری که ذرکنگره دوم این بلوک
مورد تاکید قرار گرفت و دفتر سیاسی آنرا
تدقیق کرده است . این تدقیق مبتنی
است بر ستایش جنبش خود بخودی طبقه
کارگر و سازماندهی متناظر با آن .

" سیاست سازماندهی ما در میان
کارگران " عنوان مطلبی است در ستایش
از تجمع های خود بخودی کارگران که در
بیست و هشتمین شماره نشریه " کمونیست "
ارگان بلوک کومه له و سهند چاپ رسیده
است . در این مقاله ویایمبارت دیگر
چکیده مباحثات کنگره ، سوسیالیستهای
منحصر بفرد ما پس از یک سری افاضات در
رابطه با چپ سنتی و پوپولیسم ، به مبنای
کار کمونیستی در میان کارگران
می پردازند ، و با این پرداخت عامیانه ،
کیچ و ابتدائی که تداعی میکنند
سازمانیابی کارگران کارگاههای سنتی
عهد ما نوفا کتوری ویا کوره پزخانه های
سنتی با سازماندهی آن عراست ، منحصر بفرد
بودن سوسیالیسم دهقانی خود را بر ملا
میکنند . به این طریق مبنای کار کمونیستی
در میان کارگران به مبنای کار
سوسیالیسم دهقانی در میان کارگران
کارگاههای سنتی تک افتاده که از
جنبش پراولتاریای صنعتی بسط دور
بوده اند و در عین حال هنوز چشم امید به
منشاء طبقاتی شان را از دست نداده اند ،
تبدیل میشود . این نشریه می نویسد :

" طبقه کارگر یک توده بی شکل
مرکب از احاد منفرد نیست ، بلکه حتی در
بدترین شرایط نیز از اشکال معینی از
سازمانیابی خود بخودی و سوخت و ساز و
آرایش تشکیلاتی برخوردار است . سازمان
دهی کمونیستی طبقه کارگر بدون برسمیت
شناختن این اشکال ، بسط و گسترش دادن
به آنها و متکی شدن به آنها امکان پذیر
نیست . "

این سراغاز بحث سازماندهی طبقه
کارگر ، آنهم نه هر نوع سازماندهی ، بلکه

خانوادگی و شغلی هر دو نقش جدی بازی
می کنند ، سازمانیابی بصورت محاسن
کارگری است . شبکه محافل کارگری خود
پدیده متنوع و گسترده ای است . از محافل
ساده ای که صرفا ایده ای از کارگران را در
یک رابطه رفاهت و آمدودن ساده گرد هم
می آورد تا شبکه محافل کارگران
پیشرویی که اهداف مبارزاتی و سیاسی
کما بیش تعریف شده ای را دنبال میکنند
نمونه هایی از شکل محفلی سازمانیابی
کارگرانند .

توجه کردید ؟ می بینید این
مدعیان " مارکسیسم انقلابی " چگونه حتی
بر سر تعریف مقدماتی ترین مفاهیم
مارکسیستی سازماندهی کارگران
درمانده اند ؟ سازمانیابی درونی
کارگران بر مبنای روابط خانوادگی و
شغلی ، با ورکردنی نیست . و لیس
سوسیالیستهای هر ادعای ما از این
معجزات بسیار دارند . آخر ما سازمانیابی بر
مبنای روابط خانوادگی و شغلی چه ربطی
به اشکال معین سازمانیابی طبقه کارگر
دارد ، که بلوک کومه له و سهند در آغاز
بحث مدعیش بود ؟ این های و هوای گران
ما که منحصر بفرد هم هستند در آغاز بحث
ادعا کردند که " طبقه کارگر یک توده بی
شکل مرکب از احاد منفرد نیست و لذا از
اشکال معینی از سازمانیابی خود بخودی
و سوخت و ساز و آرایش تشکیلاتی برخوردار
است " ، اما سازمانیابی بر مبنای روابط
خانوادگی ، رفاهت ، شغلی ، هم محله ای و
غیره و ذالک چه ربطی به سازمانیابی
طبقاتی یک طبقه مشخص دارد ؟ آنهم
سازمانیابی که برای سازماندهی
کمونیستی طبقه کارگر باید بسط و
گسترش آن پرداخت و به آن متکی شد ؟
بدین ترتیب هر جمعی از کارگران
از دیدگاه ، بلوک کومه له و سهند مبنای
سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر است .
و این یعنی نه فقط تسلیم در برابر هر
آنچه هست ، بلکه ستایش از هر آنچه هست .
کومه له و سهند درکی از سازماندهی
طبقه کارگر ندارند چرا که اساسا درک
مارکسیستی از مبارزه طبقاتی و از جمله
الزامات آن که اینان بعنوان اشکال معین
سازمانیابی درونی طبقه کارگر مشخص
میکنند و میخواهند سازماندهی کمونیستی
را با اتکا به آن به پیش ببرند ، نه مبنای
مشخص سازمانیابی یک طبقه مشخص که بر
اساس جایگاهش در سازمان اجتماعی کار
حاصل میشود ، بلکه صرفا یک تجمع ساده
در صفحه ۲۵

حزب برای تحکیم سنگرهای
پرولتاریا و بنز کردن آن از وجود عناصر
منحرف و غیر پرولتری مبارزه پیگیر
بی رحمانه ای را علیه اشکال مختلف
اپروتوسیم به پیش برد و در جریان
چنین مبارزهای مداوم با لایش یافتن و
نیرو و استحکام خود را در مقابل حملات
بورژوازی تثبیت نمود.

حزب به عنوان مدافع خط انقلابی
پرولتری در پرتو آموزشهای لنین و
خلق مارکسیسم و تطبیق مبانی آن با
شرایط روسیه بمقابل خط مشی
جریانهای سیاسی عمده روسیه یعنی
جریانهای بورژوا - لیبرالی و خورده
بورژوازی برجاست و در پرتو موشاکتیک
آنان را با شکست مواجه ساخت و از استقلال
طبقاتی کارگران دفاع کرد و در کنار
این جنگ، آنچه کهنه و میرنده بود منو و
نا بودگشت و آنچه بالنده و انقلابی همانا
خط مشی بلشویکی حزب بود که غالب گشت
و به پیش رفت.

حزب بلشویک از نخستین مراحل گردآوری
قوا تا پیروزی انقلاب اکتبر و رهبری
طبقه کارگروهها میلیون استعمار شده و
ستم دیده در جریان تحولات دورنی و
بیرونی، با انضباطی وصف ناپذیر و قدرتی
شگرف به جمع بندی از تجارب خوب و بد
پیداخت، اشتباهاتش را تصحیح نمود و
برای دفاع از خلوص ایدئولوژیک طبقه
کارگر یک لحظه از اصول خدشه ناپذیر
خویش عدول نکرد و از منافع و اهداف طبقه
کارگروری برنشتافت.

حزب بلشویک برخلاف سایر احزاب
سیاسی روسیه که هر کدام بنحوی در پیج و
خم های مبارزه طبقاتی ناپایداری، ضعف
و زلزل خود را نشان دادند با الهام از
تئوری انقلابی رهبران و آموزگاران
کبیر پرولتاریا ثابت قدم، طبقه کارگر
روسیه را در امر انقلاب هدایت نمود.

حزب تلفیق صحیح بین کارمندی
و علمی بوجود آورد و در هر شرایطی مضمون
انقلابی فعالیت خویش را پیش برد، حزب
توسعه انقلاب را وظیفه خود قسرا داد و
مبارزه علیه حکومت را سازمان داد و راه
قیام را پیش گرفت. در جریان جنبش
امپریالیستی به جنگ داخلی دامس بود،
سیاست بازی بورژوازی را افشا و راه
آزادشال نمود، حزب برای پیروزی

در پناه



انقلاب اکتبر

مارش ظفر نمون

پرولتاریای آگاه و متشکل

بورژوازی را در چهره های رنگارنگ آن
افشا نمود و سرانجام با کسب پیروزی درفش
انقلاب اجتماعی و سوسیالیسم را در پهنه
کبیتی برافراشته نگه داشت.

حزب بلشویک که در دوره های مسا
قبل کسب قدرت سیاسی با ملات و استواری
بحرانهای سخت و شکننده ای را پشت سر
گذارد، حزبی با خصوصیات ویژه بود،
ویژگیهای حزب بلشویک که بارزترین
خصوصیات طبقاتی و سیاسی پرولتاریا را
در وجود خود متجلی ساخته بود، خط و سرز
آنها از بنیاد با احزاب غیر پرولتری که
معمولا ملیت به مارکسیسم در درون
جنبش کارگری رخنه داشتند، متمایز
گردانیده بود.

این واقعیت را مضمون خط مشی
سیاسی - تشکیلاتی حزب بلشویک با ثبات
رسانید، حزب بلشویک از همان آغاز
فعالیت خود که اختناق تزاری بر پهنه
روسیه سایه افکنده بود و پلیس سیاسی
با ارباب و جشانه به شکار انقلابیون و
فعالین جنبش کارگری مشغول بود، در
بر ارجاع دادن سیاست و ایدئولوژی
بورژوازی که برای انحراف جنبش کارگر
و کشاندن آن به کام لیبرالیسم روسی
تلاش می ورزیدند با یک برنامه روشن در
سطح جنبش سراسری حداقل مشخص منافع
و اهداف پرولتاریا را از افکار و طبقات
دیگر ترسیم نمود، تاکتیکهای درستی
اتحاد کرد و ساختا، به برجسته ترستن
کارها به آموزش و سازماندهی کارگران
پرداخت.

جامعه که در تملک خصوصی سرمایه داران قرار
داشت به مالکیت اجتماعی درآمد، مالکیت
اربابی بر زمین لغو گردید، اراضی کشور
ملی اعلام شد و زمین به دهقانان واگذار
و صلح واقعی برقرار گشت، کلیه ساکنین
کشور به تساوی حقوق اجتماعی و مدنی
رسیدند، کلیه از دولت جدا شد و تساوی
حقوق بین زنان و مردان و همچنین تساوی
حقوق ملیتهای روسیه تامین گشت.

پرولتاریا کلیه املاک، موسسات،
صنایع تولیدی و وسائل حمل و نقل متعلق
به استعمارگران را ملی اعلام داشت،
و امپار و بدهیهای روسیه به دولتهای
خارجی ملغی گردید و گامهای مهمی در
جهت اقتصاد دنیوی و استقرار سوسیالیسم
برداشتند، شد و بدین سان قدرت همه جانبه
بورژوازی ضعیف و با زهم ضعیف تر گردید،
پرولتاریا امانه در جریان تدارک
انقلاب سوسیالیستی اکتبر و در جریان
درهم شکستن بساط بورژوازی و تحکیم
قدرت خویش و بالاخره تثبیت سوسیالیسم
بدون حزب آهنین خود یعنی حزب بلشویک
قادر به انجام کلیه وظایف ثبوتی اش
نشد و در واقع پیشروهای آن تمام
مرهون رزمندگی و نقش حزب کمونیست
شوروی بر رهبری داهانه لنین بود.

حزبی که با فداکاری بدرخ، به
نجیب قوا پرداخت، رزمندگان راستین
آرمان سوسیالیسم را در صفوف خود متشکل
ساخت و در جهت تحکیم پیوند خود با طبقه
کارگر همگام گشت، دهقانان را حصول
سیاست و مطالبات انقلابی خویش گرد آورده

زنده باد سوسیالیسم

آرمان

امروز به عین منافع زحمتکشان خلق کرد
را نشانه رفته است.

به حق و به جرأت میتوان گفت که
ریگای گیل یگانه نشریه ای بوده است که
در سطح منطقه به نیروی تبلیغاتی و بسیا
صراحت کمونیستی به افشاء این سیاستها
پرداخته و تقابل یک چنین سیاستهایی را
با منافع واقعی زحمتکشان خلق کرده است
شماره است و در همین رابطه، سکوت چپها
آن دسته از نیروها را که از منافع کارگران
و از منافع خلق کرده اند میزنند، در مقابل
یک چنین امری که تا ثیرات بلا واسطه
چند محدود - خود را بر مبارزات انقلابی
زحمتکشان خلق کرده علیه رژیم های ارتجاعی
و بر جنبش انقلابی خلق کرده گذاشته است، سر
ملا ساخته است.

ریگای گیل اما علیه رزم توطئه چهارم
بهمن و علیه رزم این مداخلات، با پیگیری و
پشتکار هر چه تمام تر توانا کید بردا به کاری
انتشار، پس از طردن ادمین اکثریتی که در
درون سازمان - و از جمله یک تن آنان در
تحریریه ریگای گیل که نظرات خود را
پنهان می نمود و با تحت اشوریته آگاهی
نیروهای متعهد سازمان، راهی و یا زمینه
مساعی برای طرح و پیش بردن آن نمایی
یافت - لانه گزیده بودند، بی وقفه به کار
خود ادامه داد.

با این همه ریگای گیل حامل نقائص
و نارسائی هایی نیز بوده است و بعنوان یک
ارگان منطقه ای، قادر نبوده است از عهده
انجام همه وظائف خود بآید، یکی از
ویژگیهای یک نشریه منطقه ای آن است
که به زبان محلی منتشر گردد تا از آس
طریق توده های زحمتکش هر چه بیشتر تا جی
سیاسی کسب نماید و تعداد بیشتری از آنان
امکان مطالعه و استفاده از آن را بیابند.
ریگای گیل از این ویژگی برخوردار نبوده و
انتشار آن به زبان کردی امکان پذیر نشد و
کماکان به تعویق افتاده است.

ریگای گیل به مثابه یک ارگان
سیاسی تبلیغی، ترویجی که قادر باشد
نقش کامی در جهت و در خدمت سازماندهی
و برپائی شکل های مشخص توده ای، بسیا
نماید، دچار نارسائی هایی بوده است.
طی این دوره، گزارش های دقیق از اشکال
مبارزات توده ای که در یک رابطه
تشکک با سازماندهان و با پیشروان
اینگونه مبارزات تهیه و ریگای گیل
در...

ادامه جنگ

رژیم در شهرها، تلاشهایی است جهت
قدرت نمائی، ایجاد رعب و هراس در دل
توده ها بمنظور مقهور نمودن اهالی
کردستان و به تمکین در آوردن آنان!
سخنان فرمانده سپاه پاسداران کردستان،
بخوبی ماهیت اهداف ارتجاعی رژیم را
بر ملا می سازد و در عین حال به آشکارترین
شکلی وحشت رژیم از حرکت انقلابی و
غیرش های توده ای راه نمایش می
گذارد. در فرهنگ مزدوران سرمایه
مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان و
قیام آنها علیه مناسباتی که این
مزدوران بر بستر آن به ستمگری مشغولند،
"وضعیت خاص و اضطراری" معنی میدهد.
هراس بی حد و حصر رژیم از قیام توده های
انقلابی، از هم اکنون آشکار است و از همین
رو، سرکوبگران به "تشریفات دفاعی"
می پردازند، و خود را برای مقابله با
توده ها، و برای منکوب نمودن خیزشهای
انقلابی، تحت عناوین "امنیت" و "حراست"
آماده میکنند، بورژوازی (ضدانقلاب)
بارها تحت همین عناوین، به سرکوب
کارگران و زحمتکشان و به مقابله با
انقلاب پرداخته است، تا نظام سرمایه داری
و مناسبات استثمارگرانه را حراست و
امنیت سرمایه را تامین کند. بورژوازی
حاکم نیز برای یک چنین روزی که منافع
سرمایه داران و نقاط "حساس شهری" که
همان نهادهای دولتی است به خطر
بیافتد، از جانب توده های انقلابی مورد
تهدید جدی واقع گردد، خود را تجهیز و
آماده میکنند تا از آن به "دفاع" برخیزند!
اما در این معاف تاریخی، این بار،
انقلاب تجار و ربا خواران را
پشتوانه خود دارد، و در این رویا روشی
تاریخی بی شک انقلاب است که بر سر پا
می ایستد!

و اما مضمون اصلی تمسک جوشهای
رژیم، در اساس در برگریخته و هدف عمده
است که بطور لایتنکی در ارتباط با
بکدیگر و در خدمت تحکیم پایه های نظم
سرمایه داری حاکم قرار دارند. رژیم، از
سوشی، با پیگیری سیاستهای ارتجاعی خود
در کردستان، سر بازگیری و تسلیح اجباری
میگوشد تا بخشی از نیروهای مورد نیازش
را در جبهه های جنگ ارتجاعی تا میمن
نمایند و به لحاظ سیاسی روحیه اهالی را از



شدن رژیم به امپریالیسم آمریکا و علنیتر شدن این روابط می انجامد.

از همینرو است که امروز رژیم پیش از آنکه بخواهد همچنان به حفظ ظاهر فکسر کند و به ماسک فدا امپریالیستی شباهت داشته باشد، در اندیشه حفظ موقعیت و ثبات حکومت متزلزل خویش است. نیاز زمندی رژیم به حمایت امپریالیستها و در رأس همه آمریکا از همین زاویه است. یکی از عرصه‌هایی که دست کم خود رژیم تشبیهت حکومت خود را منوط به آن میدانند، توانائی ادامه جنگ و کسب ...، زیجی در این زمینه است، اما ادامه جنگ نیز از جمله مستلزم تا میسر سلاحهای مغرب و تجهیزات نظامی امپریالیستی و خصوصاً آمریکا می‌باشد. ضمن سرکوب انقلاب، قدر قدرتی خود را به نمایش بگذارد و حکومت را تثبیت شده بنمایاند تا اعتماد دولتهای امپریالیستی را بیش از این بخود جلب کند.

نیازی به توضیح مفصل نیست که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از همان ابتدای به قدرت رسیدنش در راستای اهداف امپریالیستی و تحکیم مناسبات استثمارگرانه، سرکوب انقلاب و گسترش پان اسلامیم قرار داشته است. بی شک اینگونه مشغله‌های رژیم نمی توانسته است مشوق حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم امپریالیست‌ها از رژیم نباشد. برایین مبنا، تلاش‌های دوجانبه امپریالیست‌ها و رژیم جمهوری اسلامی، در جهت عادی سازی مناسبات فیما بین و خرید و فروش ادوات جنگی نه بی سابقه بوده است و نه دور از انتظار! تقویت رژیم ارتجاعی در مقابل با کارگران و زحمتکشان همواره مدنظر امپریالیست‌ها بوده و به آن ذبح‌لقه بوده‌اند. اعترافات سران رژیم در این زمینه نیز خود گویای این واقعیت است، رفسنجانی میگوید: "از این کشورهای جنوب خلیج فارس، همین شورای هماهنگی، وزرای خارجه‌شان بطور رسمی به ما پیغام دادند که آمریکا نمیخواهد با شما خصومت کند، و حاضر به مسائل شما بر سه و نپا زهای تسلیماتگی شما رو بده!"

این سخنان رفسنجانی ضمن آنکه سیمای ضد انقلابی جمهوری اسلامی را روشن ترمی سازد، موبدان است که از لحاظ ماهوی رژیم تا به آن درجه مطلوب امپریالیسم بوده است که نپا زهای تسلیماتگی را بر آورده سازد، مناسبات تاکتونی رژیم جمهوری اسلامی با دول

پان اسلامیم

"میاننده روها"

امپریالیسم!

امپریالیستی جز تا پیدا این مسئله نبوده است. بعنوان نمونه مناسبات با رژیم امپریالیستی فرانسه، امضاء پادداشت‌های تفاهم میز و قرار دادهای مالی و اقتصادی فیما بین و عادی سازی مناسبات دوطرفه، زائل شدن خرده اختلافت مربوطه که حتی زما توسط وزرای خارجه دو کشور مطرح گردیده است و با ملاقات وزیر دفاع انگلستان با یک هیئت نمایندگی ایرانی در لندن و تحویل تانک‌های چیفتن به ایران و با مذاکرات یکی از بزرگترین شرکت‌های الکترونیکی این کشور در زمینه فروش پیشرفته ترین دستگاههای رادار و هدایت پرواز و خرید مدها موثک و قطعات جنگی هواپیما از ایتالیا و دهها نمونه دیگر، همه و همه حاکی از مطلوبیت بسیار ایران برای کالاهای امپریالیستی است. اما افساء مذاکرات اخیر سران رژیم با نماینده امپریالیسم آمریکا و حمل تجهیزات نظامی به تهران، از آنست که در خور اهمیت و قابل توجه است که اوضاع بغایت وخامت با رژیم را به آشکارا انعکاس میدهد. اوضاعی که بر بستر بحران انقلابی و رشد نا رغایتی کارگران و زحمتکشان و تشدید مجادلات درونی، جناح با مصالح دوراندیش را که تمایل زیادی به انطباق خود با ملزومات مورد علاقه امپریالیسم نشان میدهد، جهت رهائی از بن بست و تنگناهای موجود به تقلا انداخته است تا استمرار منافع سرمایه را تأمین کند. امپریالیسم آمریکا نیز بر آن است تا با بیش جنبه‌های زیانببار پان اسلامیم که میتواند آرامش و امنیت باب طبع سرمایه داری و منافع او را موقتاً در منطقه به خطر اندازد، با رژیم ایران و بر طبق ملزومات امپریالیستی خود مناسبات عادی برقرار کند، چنین است مضمون اصلی تلاشهای رژیم در راستای امپریالیسم آمریکا و بالعکس، این تلاشها اما بطور اجتناب ناپذیری اختلافت درونی رژیم را با زهم تشدید میکند، هر دو جناح، نیروهای خسود را فشرده ترو متمرکز ترمی سازند تا علیرغم تهدیدات مکرر خمینی با زهم بر سر کسب قدرت و در روی هم بایستند.

انگیزه امپریالیسم آمریکا در این میان، اضافه بر آنکه تعمیق بحران

اقتصادی نظام امپریالیستی و تشدید تفادهای درونی جامعه آمریکایی، امپریالیستها را به برقراری و ایجاد رابطه و مناسبات همه جا نپه تر با رژیم ایران می کشاند، تا از طریق فروش کالاهای نظامی خود بخشی از نپا زهای مالی اش را بر آورده سازد و از ادا مناسبات بحران خود بکاهد، بهر مبنا، محوری ترین خواست سرمایه بین المللی که کسب سود بیشتر است قرار دارد، به ویژه آنکه امپریالیسم آمریکا بخوبی آگاه است که تجهیزات و کالاهای نظامی و در جهت مرکز کارگران و زحمتکشان بکار می رود.

اقدام اخیر بزرگان اعزام سفارتلین به ایران و فروش سلاحهای مورد نیاز رژیم هر چند که از سوی برخی سیاسی صاحبان صنایع بزرگ و نمایندگان سیاسی آنها اقدامی عجولانه تلقی گردید و آنان ظاهراً با کمک به رژیم بی ثباتی که نمیتوان آینده روشنی برای آن متصور بود مخالفت میکردند، اما روشن است که در کل دولت امپریالیستی آمریکا علیرغم این جنجالها و خرده اختلافت درونی، از اینگونه شماسها "رهبران میانده" اطلاع داشته و آن را موافق منافع خود دیده‌اند، جناحهای مخالف در درون بلوک امپریالیستی به هیچ وجه مخالف آن نیستند که سودهای کمتری نصیبان شود، و طریق اولی مایل به آن نیستند که خیزشهای انقلابی کارگران و زحمتکشان طوما رژیم ارتجاعی و نظام سرمایه داری را درهم نوردند، اختلافت کم رنگ میسر این جناحها، بر سر برقراری روابط با رژیم که در عرصه جهانی عمیقاً رسوا گردیده است، موجب بی آبرو شدن خود و کاهش درجه اعتبارشان میدانند، اما ترس از انقلاب خونین فردا، همه این خرده اختلافت را تحت الشعاع قرار میدهد. امپریالیست‌های آمریکائی نیز در یافتن اندک وضعیت رژیم تا بدان حد وخیم است که بدون کمک‌های بیشتر آنان، قادر به حفظ و بقا خود و به ویژه حفظ نظام استثمارگرانه کنونی نیست. ناپایداری رژیم و خطر کاملاً جدی که از سقوط او بطور قطع نظام سرمایه داری و منافع امپریالیستی را نه در حرف و پویش الفاظ عوام فریبانه، بلکه در عمل و با اقدام انقلابی و مستقیم تهدید میکند، همان انگیزه‌ای است که در مقطع کنونی در اعزام مک فارلین و برقراری روابط حسن با ایران تجلی می یابد.

پای آذر: جنبش ملی آذربایجان

واشواغ تحقیرها و ستمهای ملی و فرهنگی از جانب حکومت ارتجاعی وقت قرار گرفته ظلم و تعدی بیش از حد خوانین در حق دهقانان، غارت و چپاول و سرکوب لجام گسیخته توده های زحمتکش توسط ائندامها و دسته های مسلح رژیم در جهت حفظ مناسبات استعماری و رگانه و تحکیم پایه های نابرابری و استمراری ملی زمینه امین است. جنبش انقلابی - دمکراتیک آذربایجان راهوار ساخت، بر سرچین شرایطی خیرشهای توده های و شکل گیری جنبشهای ملی در تضاد با رژیم دیکتاتوری پهلوی امری اجتناب ناپذیر بود.

"فرقه دمکرات" با طرح شعار "مختاریت آذربایجان" توانست حمایت اکثریت عظیمی از اقشار توده های آذربایجان را بسوی خود جلب نماید. "فرقه دمکرات" پس از اختلاف با حزب توده "مرامنامه ای در ۱۲ بند تدوین و بدین ترتیب به رسمه "عملی" مبارزه با دولت مرکزی پای گذارد و رهبری جنبش ملی را بدست گرفت. مضمون و محتوای "مرامنامه فرقه دمکرات" که حکم برنامه این جریان را داشت، اهداف و سیاست مشخصی را در بر داشت که ناشی از درک محدود و نادرست رهبران "فرقه دمکرات" از مسئله ملی بود.

رهبری "فرقه دمکرات" بنا به ماهیت طبقاتی اش از اتخاذ راه حل اصولی که بتواند دهقانان و زحمتکشان آذربایجان را حول برنامه و خواسته های مشخص دمکراتیک و انقلابی متشکل سازد عاجز بود. در حالیکه دهقانان که نقش بسیار مهمی در قیام بر علیه حکومت مرکزی ایفا میکردند و از جو و ستم فئودالها و حکومت پشیمان این طبقه رو بزوال بسته آمده بودند، "فرقه دمکرات" نه تنها به معادله اراضی ملاکین و فئودالها و تقسیم آن میان دهقانان بی توجه ماند و به حل انقلابی مسئله ارضی پاسخ مناسبی نداد، بلکه منادی ملج و آشتی دهاقین با فئودالها گردید و از این طریق برای اعمال ستم فئودالی نسبت به دهقانان صده گذشت. ارتجاع حاکم که از گسترش دامنه جنبش به دیگر نقاط ایران سخت به وحشت افتاده بود به اعمال فشار و سرکوب خلق آذربایجان شدت بخشید. در چنین شرایطی

رهبری "فرقه" بجای ترویج و تبلیغ روحیه وحدت و همبستگی در میان طبقاتی ایران بطرح شعارهای کور و تنگ نظرانانه ناسیونالیستی پرداخت و عملاً با طرح شعارهای انحرافی شونیسیم ترک را جایگزین شونیسیم عظیم طلبانه فارس نمود و از این طریق به تلاشهای تفرقه افکنانه میان طبقاتی که از جانب حکومت ستمگر مرکزی پیش کشیده میشد دامن زد.

سارنام جنبش ملی آذربایجان عمدتاً بخاطر نبود یک رهبری لایق بر سر رأس آن که قادر به درک انگیزه های مشخص و تاریخی توده های شرکت کننده در جنبش باشد و گامهای جدی و انقلابی در جهت عملی ساختن خواست دمکراتیک توده ها بردارد با حمله ارتش سرکوبگر درهم شکست. خلق آذربایجان برخلاف رهبران بی کفایت که در شرایط دشوار صحنه مبارزه را ترک نمودند، با ایثار و فداکاری خود در مقابل ارتجاع حاکم، پایداری و استواری خود را در راه احقاق حقوق خود به اثبات رسانید.

تجربه جنبش ملی آذربایجان در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ و تمامی تجارب جنبش های ملل دیگر تحت ستم بعد از آن، روشن نموده است که در عمر کنونی و دورانی که بورژوازی مدتهاست آغاز به گنبدگی کرده است و رسالتی جز اغلال در جنبش توده ها و مقابله با انقلاب ندارد، رسالت رهبری این جنبش ها بردوش طبقه دیگری نهاده شده است، طبقه ای که اساساً انترناسیونالیست است و به حل مسئله ملی نه در چارچوب تنگ ناسیونالیستی و جنبش یک ملت و در داخل یک کشور کثیرالملله، که در عرصه انقلاب سراسری و وحدت و همبستگی ملیتهای یک کشور پاسخ میدهد و بر ضرورت پیوند این جنبش ها با جنبش کارگران و زحمتکشان سراسر ایران، تاکید میورزد، امری که نه تنها رهبران "فرقه دمکرات" بلکه مدعیان امروز رهبری جنبش خلق کرد نیز پس از تجارب تلخ و شکست غم انگیز جنبشهای آذربایجان و کردستان هنوز بدون درکی واقعی از جنبش "ملی" در پوسته خشک ناسیونالیسم منحط و پوسیده ای که میراث بورژوازی است تنیده و با طرح شعارهای ناسیونالیستی، از حکومت بورژوازی جمهوری اسلامی "خودمختاری" مطالبه میکند.

با درس آموزی از تجارب غمناک تاریخی و با تاکید بر هم سر نوشتی کلیه

ملل تحت ستم ایران، مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را برای استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگران و تاسمین برابری ملی شدت بخشیم.

آذربایجان

در یافت کرده باشد بسیار محدود بوده است. از سوی دیگر مجموعه شرایط موجود در کردستان، خصوصاً پیشرویهای رژیم و ارت دست رفتن مناطق آزاد شده و به تبع آن محدود گشتن امکان حضور و تاسمین و نیروهای انقلابی در این مناطق، از جمله عوامل بسیار مهم در این نارسائی بوده اند که بعنوان موانعی جدی در روشن ساختن و پیوژه ایجاد آن مناسبت ترین اشکال تشکل های انقلابی منطبق بر خواسته های کارگران و زحمتکشان خلق کرد در دوره انقلابی کنونی بوده است. بر همین اساس، رهنمودهای ریگای که در این زمینه عموماً از توضیح و تشریح کافی برخوردار نبوده است.

از دیگر وظایف نشریه منطقه ای آن است که مقالات و مطالب ارگان سراسری را به زبان عامه فهم تبلیغ و ترویج نماید. با احتی عین مقالات مهم آرا و پیوژه آن دسته از مطالب که با توجه به وضعیت منطقه و از نقطه نظر مبارزات توده ها میتواند تاثیرات ویرد بهتری داشته باشد درج نماید و یا آنکه قسمت هایی از یک مقاله را نقل کنند از این طریق کارگران و زحمتکشان منطقه هر چه بیشتر با عنوان ارگان مرکزی (سراسری) بسا ایده داشتن یک نشریه دایمی خودشان، با ایده داشتن یک مرکز رهبری یا دشلوژیک برای خودشان، یعنی آن مآخذی که قادرند همیشه به آن مراجعه نمایند، هر چه بیشتر آشنا گردند. ریگای که ل اما در این زمینه، و در ساده کردن مقالات ارگان سراسری (کار) و یا تجدید چاپ و خلاصه نمودن مطالب آن، گام برنداشته است، هر چند که در اساسی ترین وجوه از آن بهره مند گشته، از اهداف ترویجی و تبلیغی آن مستفیم بوده و در راستای همان اهداف ره بر نموده است.

در خاتمه با تلاش در جهت از میان برداشتن نقائص فوق الذکر - تا آنجا که در توان است - و با هدف تکامل نشریه، به پنجمین سال انتشار ریگای که ل، بسا سخت کوشی و استواری کمونیستی گام می نهیم.

پیرامون . . .

است در عین حالیکه از هم اکنون علیه نگهداری اجباری ملت‌ها در محدوده مرزهای یک دولت معین مبارزه مینماید، در جهت خنثی سازی تمامیات عناصر بورژوا - ناسیونالیستی که در میان ملت‌ها رسوخ دارند و معمولاً تلاش‌های تفرقه افکنانه خود را در غالب طرح‌ها و شعارهای انحرافی به پیش می‌برند نیز مبارزه نماید.

در جمهوری دمکراتیک خلق منافع پرولتاریا را ایجاد میکند که ملل تحت ستم ایران مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند. وحدت ملت‌ها امر تکامل جامعه را تسهیل مینماید. همچنین تشکیل یک دولت مقتدر برای کلبه کارگران و زحمتکشان ملل تحت ستم سودمند است، چرا که اتحاد دوسانه و تشریک مساعی و کمک متقابل و جانشینان ملت‌ها بیکدیگر در حل معضلات اقتصادی - اجتماعی و اجرای دقیق قوانین اساسی دمکراتیک توسط دولت کارگران و زحمتکشان سراسر ایران نه تنها به عالیترین شکل ممکن منافع توده‌های زحمتکش را تضمین مینماید، بلکه ملیتهای ساکن مناطقی که در عقب ماندگی بیشتری بسر می‌برند سریعتر خواهند توانست به ترقی و رشد اجتماعی دست یابند.

مهمتر اینکه نقطه عزیمت در اتخاذ یک چنین سیاستی منافع کلبه پرولتاریا از هر ملیتی است. پرولتاریا سراسر موقعیت تاریخی - اجتماعی اش گرایش به تمرکز دارد. کمونیست‌ها، کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود بر خلاف ناسیونالیست‌های بورژوا امر طبقاتی را بر امر ملی مقدم می‌شمارند. وحدت منافع روحیه همستگی را در بین این طبقه قویا تقویت مینماید. بر همین اساس پرولتاریای آگاه خود را موظف میدانند تا با تلاش برای تقویت روحیه اتحاد در بین ملت‌ها در جهت بهم آمیختن کلبه کارگران به لحاظ سیاسی و تشکلاتی بکوشد.

هنگامیکه در دمکراسی انقلابی حاکمیت از طریق دخالت مستقیم توده‌ها در کلیه امور جامعه صورت می‌گیرد طبسی است طبقه کارگر برای حصول یک دولت

شکل تحکیم پایه‌های دمکراسی انقلابی که مبنای آن در بخش حداقل برنامۀ طبقه کارگر روشن گردیده است، بطور بلاواسطه ستم طبقاتی نه تنها از جامد رخت بر سر نمی‌بندد بلکه برجسته تر و نمایانتر میگردد.

از همین روش‌های طبقاتی درون ملت‌ها تشدید میشود و توده‌های زحمتکش با کسب حقوق دمکراتیک خویش در خواهند یافت که عامل اصلی ستمگری نه فقدان حقوق برابر ملی که حتی به کارمندی نیست شکل آن یعنی آزادی جدائی نیز دست یازیده اند، بلکه سرمایه داری است. درک همین واقعیت است که اتحاد سراسری کارگران و زحمتکشان ملت‌های تحت ستم بیش از پیش تحکیم می‌یابد و آنان در جریسان مبارزه برای انهدام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم بطور قطعی از پیوغ ستم طبقاتی رهائی یافته و برابری

مشترک و مقتدر نه روش بوروکراتیک بلکه روشی دمکراتیک را پیش میبرد. این اتحاد ملت‌ها نه اجباری، بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

در جمهوری دمکراتیک خلق هر ملیتی که خواستار جدائی است آزاد است تا در جهت تعیین سیر زندگی و سرنوشت خویش از چارچوب کشوری خارج گردد و با مراجعه به آراء اتحاد خود راه تشکیل دولت مستقل را برگزیند.

آنچه در این خصوص باید در نظر داشت طبقه کارگر مسئله جدائی را بعنوان اصلی عمومی و جامع دولت انقلابی - دمکراتیک از زاویه منافع مبارزه طبقاتی و توسعه اجتماعی (در شرایط جمهوری دمکراتیک خلق که ستمگری سرمایه به سوسیالیسم است) و ارزیابی شرایط مشخص متقاضیان آن به مرحله اجرا درمی آورد.

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همانند تمام رژیمهای سرمایه داری رژیم ستمگری ملی است.

این رژیم حقوق و خواستهای برحق و عادلانه ملیت‌های تحت ستم کرد، ترک

ترکمن، عرب و بلوچ را با خیال نموده است.

از مبارزات و خواستهای برحق و عادلانه ملیت‌های تحت ستم دفاع کنید

با يد حق تعیین سرنوشت برای کلبه ملل ساکن ایران به رسمیت شناخته شود

ملل تحت ستم آزادانه تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند.

حق تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته کردستان

واقعی‌شان تامین میگردد.

هرملتی که تمایل به جدا شدن نداشته با توده آزادانه و داوطلبانه اتحاد و همبستگی با ملت‌های دیگر را بپذیرد در مناطق خود از وسیعترین خودمختساری برخوردار خواهد بود. طبقه کارگر در مقام رهبری جامعه انقلابی که در روستاهاش ملزم به رعایت اصل مساوات است، لیکن از آنجا که با ستم دمکراسی ستم

در مواردی که ملیت‌ها آزادانه جدا شده و دولت مستقل تشکیل میدهند طبعی یک مرحله چنانچه هرملتی به ضرورت درک جنبه‌های مثبت اتحاد سراسری واقف گشته و تمایل به اتحاد گردد، خواهد توانست به اتحاد سراسری ملیتهای ساکن کشور پیوندد. بهر حال کارگران و زحمتکشان ملل تحت ستم در جمهوری دمکراتیک خلق با دمکراسی پیگیر حاکم بر جامعه از ستم ملی فارغ میگردند و مادرکاملترین

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پیرامون . . .

انقلابی اصل انتخاب آزادانه تعیین سرنوشت برای ملل ستمدیده را تضمین می نماید، حاکمیت خودمختار - ملل را نیز برسمیت می شناسد و از این طریق با انترالیم دمکراتیک خویش راه پیش میبرد. قابل توجه اینکه برسمیت شناختن خودمختاری وسیع منطقه ای از سوی طبقه کارگر و مرکز دولتی - جمهوری دمکراتیک خلق را نقض نخواهد کرد. تحقق عملی خودمختاری وسیع منطقه ای تأییدی از تشبیه پایه ها و مصالح کلی دمکراسی انقلابی است و در چارچوب جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان و راستای تأمین حق تعیین سرنوشت ملتبهادرینا مهیرو لنار یا تضمین گشته است. البته خودمختاری وسیع منطقه ای با ملاحظه شرایط اقتصادی - اجتماعی ترکیب ملی، اختلافات جغرافیایی یک ملت، مشخص منطبق خواهد گشت.

روشن است تا مبن خودمختاری وسیع منطقه ای در راستای تحقق شعار محسوری طبقه کارگر در باره حقوق ملتبهادر قرار داشته و نه تنها با آن مغایرتی ندارد بلکه را با محتوا و مضمون واقعی آن را بیان میدارد.

تاکید طبقه کارگر بر وسیع بودن خودمختاری در جمهوری دمکراتیک خلق مضمون و محتوای این خواست مشخص را از مضمون و معنا سیر محدود آن در شرایط حاکمیت بورژوازی متناهی میگرداند. هر ملتی که زندگی در جمهوری دمکراتیک خلق را پذیرد، مجاز است حکومت خودمختار خود را تشکیل دهد. این حکومت خودمختار از بیشترین اختیارات در زمینه اقتصادی و فرهنگی برخوردار گشته و اختیارات آن در اداره امور داخلی منطقه خویش تأمین میگردد.

هر ملتی که بنا بر خواست و آراء عمومی خویش خودمختاری را در حیطه جغرافیایی سرزمینش تشکیل میدهد، بر پایه حاکمیت شورا های کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق، کنگره شورا های نمایندگان که برای آزاد، مستقیم و مخفی شده مسا انتخاب گشته اند را بمنابه عالترین ارگان حکومت منطقه خودمختار تشکیل خواهد داد.

کنگره شورا ها در منطقه خودمختار،

بجز امور مربوط به سیاستهای خارجی، دفاع ملی، سیاست پولی و ارزی که بر عهده دولت جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران است، قوانین محلی و روابط اجتماعی - اقتصادی ... شامل قوانین انتظامی، قضائی، اداری، فرهنگی، بهداشتی ... را در منطقه خودمختار تنظیم می نماید.

شورای اجرائی منتخب کنگره بر تارک حکومت منطقه خودمختار موظف است بر اجرای کلیه قوانین و تصمیمات کنگره عالی منطقه نظارت نماید.

هر حکومت خودمختار بنا بر مصالح و منافع کارگران و زحمتکشان در همان جهتی که برخواهد داشت که جمهوری دمکراتیک خلقهای سراسر ایران، چرا که تحکیم اتحاد انقلابی کارگران و زحمتکشان رمز بایدار جمهوری دمکراتیک خلق و رشد و ترقی و پیشرفت اجتماعی جامعه انقلابی ایران است، بدیهی است در هر شرایطی تأکید بر جنبه بر خودمختاری بدون دفاع صریح و بی چون و چرا از شعار حق ملل در تعیین سرنوشت خویش نمیتواند روشی مارکسیستی تلقی گردد. هرگونه امتناع از طرح شعار حق ملل در تعیین سرنوشت خویش بهانه های گوناگون و یا ابهام برانگیزی در باره مضمون آن که حق جدائی و تشکیل دولتهای مستقل را بیان میدارد صرفاً یک طفره روی جیونانه و یا سیغیستی و زمینه ساز برای شاعرا بده های لیبرالی و ناسیونالیستی در بین کارگران و زحمتکشان ملل ستمکش است.

هنگامیکه برخی نیروهای مدعی مارکسیسم با پذیرش لفظی حق ملل در تعیین سرنوشت بجای بسط این شعار در فعالیت عملی و روشنگری در باره مضمون آن، "خودمختاری" را اردو لتهای بورژوازی که ما هیتا ستمگرند طلب میکنند در واقع نه تنها نخیلات اتوبی خود را بر ملا میمازند، بلکه روشن میکنند که فریبکارانه شعار حق ملل را فقط در حرف برسمیت می شناسند. خودمختار اینان در بهترین حالت فرا تراز "خودمختاری فرهنگی ملی" و یا تعابیر دیگری از خودمختاری که بر اساس حفظ تمامیت ارضی میهن سرمایه داران عرضه میگردد نخواهد رفت.

پافشاری اکید بر شعار حق ملل در تعیین سرنوشت خویش در سرتاسر منطقه کارگر و پذیرش بی چون و چرا آن هرگونه طفره روی و یا لوسی جریانات ناسیونالیست و فرمیت در باره حقوق واقعی

ملل تحت ستم را بر ملا وجهه آسان را افشاء نموده است. رنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش!

انقلاب اکتبر . . .

انقلاب سرخستا نه جنگید و در برابر پارلیان ارتجاعی از نهادهای شورائی دفاع کرد و بالاخره با واژگونی دیکتاتوری بورژوازی، دیکتاتوری کارگران و دهقانان را مستقر ساخت.

وشت دشمنان حزب بلشویست، بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن نیز از قاطعیت و گذشت ناپذیری این خط منشی ریشه میگرفت. حزب بلشویک بعنوان حزب انقلاب اجتماعی در حساسترین لحظات سرنوشت انقلاب نیز به آلمان پروولتاریه جهانی وفادار ماند. حزب با اعلان جنگ آشکاره بورژوازی، سایه به سایه دشمنان طبقه کارگر را تعقیب نمود و در حادترین مراحل مبارزه طبقاتی سرشت آشکاری به قلب جبهه سرمایه افزود.

در دوران یک چنین نبرد سختی بود که صحت و حقانیت برنامه، سیاست و تاکتیکهای کمونیستی حزب در عمل شده ها محک خورد، و ارسا گردید و اعتماد اکثریت جامعه روسیه را به سمت رهبری انقلابی طبقه کارگر جلب نمود و در جریان یک چنین نبردی نیز بودند که ماهیت واقعی احزاب و جریانات غیر پروولتاری بر ملا گشت و کلیه آنان از نظر مسلکی و سیاسی سنا شکست مواجه شدند و در بین نهادهای منزوی گشتند.

طبقه کارگر قهرمان روسیه با یک چنین خط منشی حزب پیشا هتگش به پیروزیهای درخشان اکتبر بر بورژوازی نائل گشت و با تکامل یک چنین خط منشی با اعمال دیکتاتوری پروولتاری، مقاربت بزرگترین سرمایه داران و ملاکین را در شکست و در جهت تغییر ستمتاجان جامعه طبقاتی روسیه به جامعه سوسیالیستی گام برداشت.

۶۶ سال پس از الگرد انقلاب اکتبر، مارش ظفر نمون آن همچنان در سراسر جهان طنین انداز است و طبقه کارگر جهانی به ارسا پیروزی غرور آفرین افتخار می نماید. با وفاداری به آموزهای حزب بلشویک و رهبرداهی آن لنش، سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و سنا د جانشا ختگان آنرا گرامی میداریم.

مهاباد

اخبار جنبش توده‌ای



یکبار دیگر نیروهای سرکوبشراهایی منطقه "چومی مه‌چی خان" را تحت فشار قرار دادند و عده‌ای از جوانان منطقه را دستگیر کردند و به پایگاهها منتقل نمودند تا بخواست رژیم ملج شده و از مراکز نظامی رژیم در کردستان محافظت نمایند. مقاومت اهالی منطقه "چومی مه‌چی خان" در برابر سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگر رژیم همچنان ادامه دارد. هم‌اکنون تعدادی از جوانان به آن امتناع از رفتن به سربازی و تن دادن به خواست رژیم در کوههای اطراف منطقه می‌برند.

— همچنین روستاهای "گردی به‌روان"، "بیره"، "بیره‌جو"، "میره‌دی"، "خال ده‌لیل" و "پیرمیکاشیل" در بخش "پالنه‌سیر" مهاباد در نیمه دوم مهرماه همزمان به محاصره نیروهای سرکوبگر درآمدند. مزدوران با اعمال زور و سرکوب اقدام به دستگیری جوانان نمودند که طی این اقدام وحشیانه تعدادی از جوانان دستگیر شدند.

این دستگیریها، اعتراض اهالی را برانگیخت و در روستای "خال ده‌لیل" مردم از زن و مرد و پیر و جوان با سنگ و چوب‌دسته مزدوران حمله بردند که در نتیجه آن دو مزدور نیز زخمی شدند.

— همچنین روز ۲۵ مهرماه از سوی نیروهای سرکوبگر تأثیر، شهر باستانی، ژاندارمری و سپاه پاسداران، چند محله و خیابان از جمله "اسحاب‌سی"، "کاشی"، "صوفی بله" و "مجبور آباد" شهر به محاصره درآمد. اهالی این محلات در مقابل اقدام مزدوران برای دستگیری جوانان و اعزام آنان به پادگانها و مراکز، لامی به اعتراض پرداختند. مزدوران برای پراکندن تجمع اعتراضی مردم به تیراندازی توپل جستند که با خشم اهالی مواجه گشتند. آنها با سنگ و چوب به ماشین مزدوران حمله ور شدند که سرانجام مزدوران ناچار به ترک محل گردیدند.

— مزدوران رژیم فدخلی چپ، سوری اسلامی در ادامه سیاستهای ارتجاعی و

۳ نفر از جوانان روستا را دستگیر کردند. اهالی به دستگیری جوانان اعتراض نمودند. جوانان اقدام به فرار از چنگ مزدوران می‌نمایند که هدف تیراندازی قرار می‌گیرند. اهالی در مقابل این اقدام مزدوران اعتراضات خود را تشدید نمودند. — روز ۱۶ مهرماه نیز روستاهای "شارانی" به محاصره مزدوران درآمد. مزدوران با توسل به تهدید و آراغاب ۳ نفر را دستگیر نمودند. اهالی با اعتراض از خروج دستگیرشدگان از روستا جلوگیری کردند و مزدوران را وادار به عقب نشینی نموده و دستگیرشدگان آزاد گردیدند.

کامیاران

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در نیمه دوم مهرماه مدت چند روز روستاهای "مازنج"، "موجز"، "زادرسیرجساده" کامیاران — "دی گولان" به محاصره خود درآوردند و با همکاری جاسوسان محلی و شوراها، لامی به جستجوی افراد مشمول و متواری از سربازی پرداختند. مزدوران به رغم تلاش فراوان، فقط توانستند چند تن از جوانان را دستگیر نمایند که اغلب آنان نیز همین انتقال به پادگان موفق به فرار می‌گردند.

اعتراضات توده‌ای علیه سربازگیری اجباری

مریوان

روز ۱۵ مهرماه مزدوران مستقر در پایگاه "وله‌زیر" روستا را به محاصره درآورده و با خاندگرددی و ایجاد ترس و آراغاب ۲۰ نفر از جوانان را دستگیر می‌نمایند. اهالی دسته‌جمعی به پایگاه رفته و ضمن اعتراض به خانه‌گردی خواستار آزادی دستگیرشدگان می‌گردند. مزدوران در مقابل اعتراض اهالی، جوانان را به سمت مریوان و ستندج حرکت می‌دهند که در بین راه جوانان دسته‌جمعی موفق به فرار گشته و با بازگشت به محل کار روزندگی خود تلاش مزدوران را بی‌نتیجه می‌گذارند. — همچنین طی سه‌روز متوالی در نیمه مهرماه روستای "تالمانه" در محاصره مزدوران رژیم قرار داشت. مزدوران با کنترل تردد اهالی و اقدام به خانه‌گردی

کردستان کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد روز مت

اخبار جنبش توده‌ای

بیانه

برآنان ادامه یا بدست‌جمعی روستا را ترک خواهند کرد.

مزدوران سباهی‌داران شهرت "کارمهرده" نیز در روز ۱۶ آذرماه به کمک تنی چند از عناصر خود فروخته شورادال اسلامی و مرتجعین محلی تعدادی از مردم روستاهای اطراف را با تهدید و فشار در شهرک مذکور جمع می‌کنند و از آنها می‌خواهند که هر خانواده ۵۰۴ نفری باید یکی از اعضا خانواده را برای شرکت در جبهه‌های جنگ ارتجاعی معرفی نمایند. زحمتکشان ضمن مخالفت آشکار با این خواست فداانقلابی از گوش دادن به مخنان این مزدوران سرباز زده و عملاً نیروهای رژیم را در انجام این سیاست ارتجاعی ناتمام می‌سازند.

در تاریخ ۳۰ آبانماه، مزدوران رژیم به روستای "کوخه‌مامو" واقع در بخش "پشت‌ناربابه" بمنظور دستگیری جوانان و اعزام آنان به جبهه‌های جنگ ارتجاعی یورش می‌برند، اما زحمتکشان روستا با اتحاد خود دست به اعتراض زده و جوانان را از روستا فراری می‌دهند. مزدوران موفق می‌شوند یک نفر از جوانان را دستگیر کنند اما مجدداً با اعتراض یکبارچه زحمتکشان روپروگشته و ناچار او را آزادی می‌سازند.

جنگ طلبانه خود روز ۱۸ آبانماه روستای "کیتگه" در "گسه‌ورک" مهاباد را محاصره کرده و در صدد دستگیری جوانان و اعزام آنها به جبهه‌های جنگ ارتجاعی برمیایند، زنان زحمتکش روستا به محض اطلاع از حضور مزدوران در روستا با چوب و سنگ به جاشها و پاسداران فداخلفی حمله ور می‌شوند و مزدوران را که از خشم اهل اهالی زحمتکش دچار وحشت شده و اقدام به تیراندازی هواشی نموده بودند از روستا بیرون می‌رانند و با همیستی خود یکبار دبتر توطئه سرکوبگران را ناگهانی می‌گذارند.

سفر

نیروهای سرکوبگر رژیم روز ۲۴ مهر ماه روستای "ده‌ریاوه" در بخش سرشوبسفر را مورد یورش خود قرار دادند آنان با اعمال زور و به این بهانه که میبایست برای دفاع از خود در مقابل پیشمرگان مسلح بوده از زحمتکشان می‌خواهند تا برای رژیم مسلح شوند. زحمتکشان تن به این خواست مزدوران نمی‌دهند. مزدوران برای اعمال فشار، ۳ روز در روستا حکومت نظامی برقرار می‌کنند، که در نتیجه ایستادگی و مقاومت اهالی، پس از ۳ روز مزدوران بی آنکه به هدف ارتجاعی خود دست یافته باشند روستا را ترک می‌کنند.

تسلیم اجباری با آنها به مقاصد انقلابی پرداختند اما مزدوران با بیجا گذاشتن سلاحها در مسجد، روستا را ترک کردند. اهالی در اعتراض به این اقدام به شهر بابیه مراجعه نمودند، اما در مقابل بی توجهی سران مزدوران، به روستا برگشتند و در مسجد تحمّن می‌نمایند و خواهان لغو سیاست تسلیم اجباری می‌گردند. آنها برای جلب حمایت روستاهای اطراف تلاش می‌کنند و نمایندگان خود را به تهران فرستادند که مراعات در نتیجه مبارزات اعتراض آمیز اهالی و پشتیبانی روستائیان اطراف، مزدوران وادار به عقب نشینی می‌گردند و سلاحهای را که به زور به اهالی تحمیل کرده بودند پس می‌گیرند. در جریان مبارزه اهالی، نقش ارتجاعی شورای اسلامی روستا که سعی در تضعیف و به شکست کشاندن اعتراض اهالی را داشت، نفرت و انزجار زحمتکشان را برانگیخت و یکبار دیگر فدیت شورای اسلامی این نهاد ارتجاعی را که جزء ضامان ارگانهای دولتی محسوب می‌گردند با خواست و منافع توده‌ها آشکار گردید.

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی موسوم به "گروه ضربت" مستقر در "کهنده‌سور" روزه آذرماه تعدادی از جوانان این روستا را با تهدید و ارباب در مسجد روستا جمع می‌کنند و از آنها می‌خواهند که مسلح شوند و برای رژیم خدمت کنند. جوانان زحمتکش با همیاری اهالی روستا در مقابل این خواست دست به اعتراض زده و بد مزدوران می‌گویند چنانچه فشار

اعتراضات توده‌ای علیه تسلیم اجباری

بیانه

نیروهای سرکوبگر رژیم روز ۲۶ مهرماه در روستای "نه‌شور" با توسل به زور مردان را در مسجد روستا جمع کرده و از آنان می‌خواهند تا مسلح شوند، اهالی تن به این خواست مزدوران نداده و در مقابل، چند نفر از آنان نیز مورد ضرب و شتم مزدوران قرار می‌گیرند و یک نفر بیعت شدت ضربات به بیمارستان شهر بابیه منتقل می‌گردد. روستائیان علیرغم اینگونه فشارها خارجیه تسلیم نمی‌شوند و مزدوران با بیجا گذاشتن یک اسلحه در هر خانه، روستا را ترک می‌کنند. اما اهالی دست از اعتراض خود برنداشته و با مراجعه به شهر بابیه در مقابل ادارات مربوطه به مقاومتشان ادامه می‌دهند.

روزموسم آبانماه سزاهالسی "خوری‌تاوا" در جریان فشار مزدوران برای

میریوان

روزدوم مهرماه نیروهای سرکوبگر جهت تسلیم اجباری روستاهای "کالی‌بالا" و "کالی پاشین"، "ده‌ریان" و "یخان" راه محاصره درآورده و اقدام به دستگیری جوانان می‌نمایند، مزدوران همچنین اهالی را تحت فشار قرار داده و از آنان می‌خواهند که با یستی سزاهالسی بدهند. زحمتکشان این روستاها همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دهند و حاضر به تسلیم در برابر مزدوران نیستند.

☆ اخبار جنبش توده‌های

سرکوب وحشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و زبونی رژیم

در مقابله

جنبش انقلابی خلق کرد است!

بانه

روز هفتم مهرماه جاشهای خاشن بهمنظور سرپا زگیری به روستای "کاروستم" هجوم بردند. آنها عین دستگیری به ضرب و شتم اهالی نیز پرداختند که زحمتکشان به اعتراض برخاسته و جاشها برای نجات خود از خشم اهالی اقدام به تیراندازی بسوی مردم بیدفاع نمودند. در جریان این اعتراض عده‌ای از زحمتکشان توسط فرمانده سپاه پاسداران "تارمه‌ده" دستگیر و چند روز به سارت درآمدند.

رژیم فداقلایی جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه‌اش اخیراً تعدادی از مزدوران موسوم به "گروه ضربت شهرهای" سنج و کامیاران را به منطقه بانه گسیل داشته و روستای "کلبه‌سور" از توابع "سورکبو" را مورد یورش قرار داده و از روز ۲۲ آبانماه با ایجاد فضای ترس و وحشت در این روستا و برقراری حکومت نظامی عملاً مانع عبور و مرور زحمتکشان گشته و ۶ تن از اهالی زحمتکش را دستگیر و روانه زندانها نموده. تحت چنین شرایطی شناری از اهالی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و در این هوای سرد آواره شده‌اند.

سنندج

روز ۲۲ مهرماه نیروهای سرکوبگر رژیم بهمنظور استقرار پایگاه نظامی به روستای "تهینال" یورش آورده و ضمن تهدید اهالی از آنان میخواستند محلی برای دایر کردن مقر در اختیار آنها گذاشته شود. اهالی روستا نه تنها مکانی در اختیار آنان نمی‌گذارند، بلکه متحدانه خواهان بیرون رفتن مزدوران از روستا می‌شوند. مزدوران سرکوبگر روز ۳۰ مهرماه مجدداً به این روستا هجوم می‌برند. مزدوران که قصد داشتند در مسجد روستا استقرار با بندها مقاومت و اعتراض گسترده اهالی مواجه می‌گردند. روستائیان با بیرون

در منطقه مها با ددر نیمه‌های مهرماه مزدوران اهالی روستاهای "یوشیم"، "بن‌گون"، "کوخان"، "خمدن چمب"، "هرمی" و "محمودشاوا" در بخش سنج را تهدید نمودند تا روستاهای خود را تخلیه نمایند. رژیم که از مدت‌ها پیش سیاست کوچ اجباری زحمتکشان کردستان را علیه خود ساخته است، از بهار امسال عسکران اعمال فشارهای متعدد موفق به واداشتن اهالی این روستاها به تخلیه محل‌کسار و زندگیشان نگشته است و اینبار روستائیان مقاومت و اعتراض جمعی اهالی فط...

چندین تن که جاشهای خاش منطقه "مینگور" با همدستی عده‌ای از زحمتکشان اهالی زحمتکش منطقه "گورک ۱" را تحت فشار می‌گذارند. روز ۱۱ آبانماه این مزدوران به روستای "یالته‌مدر" رفته و بیانه‌های مردم یورش می‌برند. در یکی از خانه‌ها با اعتراض زنان زحمتکش رویرو می‌گردند و هنگامیکه مزدوران تصمیم می‌گیرند و راه را در خود ببرند، زن زحمتکش با خوردن سم خود را مسموم می‌نماید بطوریکه در بیمارستان بستری میگردد.

در تاریخ ۲۰ و ۲۲ آبانماه جاشهای منفور روستاهای "قاران"، "قهران" در منطقه "گورک" میانه‌ها را مورد حمله وحشیانه خود قرار داده و زحمتکشان این روستا را مورد یورش قرار می‌دهند. زحمتکشان روستا "قهران" با اتحاد خود در مقابل مزدوران دستگیر و اعتراض می‌نموند و آنها را ناگزیر به عقب‌نشینی می‌نمایند.

در تاریخ ۲۱ آبانماه شعبه ۱۱ مزدوران، خانه فرد زحمتکشی در یکی از مزارع پشت روستای "په‌رالی" را مورد هجوم قرار می‌دهند و او را همراه خانواده‌اش تا بهینا از خانه سرون میکنند. در...

کشیدن وسائل مسجد و انتقال آن به منازل خود مانع از استقرار مزدوران می‌شوند. نیروهای سرکوبگر در منطقه "سارال" سنج در روستاهای "دوزه‌غره"، "کول"، "هزارگان" و "قهران" اولیه شب آمد و روستائیان را از ساعات اولیه شب ممنوع اعلام داشتند. این اقدام مزدوران زندگی و کار زحمتکشان را با مخاطره مواجه می‌سازد. از همین روستاهای علی‌آباد دست به اعتراض می‌زنند. همچنین در نیمه دوم شهریورماه نیز در روستاهای دیگر همین بخش از جمله "کهموشاوا"، "هاله‌ده‌ره‌علیا"، "هاله‌ده‌ره‌سلفی" و "پاینجو" نیروهای سرکوبگر، حکومت نظامی اعلام داشتند. هر کس را که از این تصمیم مزدوران سرپیچی کرده و مورد ضرب و شتم قرار دادند. مزدوران جهت پیشبرد این اقدام سرکوبگرانه در موارد متعددی بسوی اهالی شلیک کرده و در اطراف روستاها مین گذاری نمودند و با اطراف روستاها سیم خاردار کشیدند. بی شک اینگونه اقدامات سرکوبگرانه و خفقان‌آمیز رژیم و اعمال فشارهای بی‌حد و حصر به توده‌های زحمتکش همانطور که کلبه‌تجارب تاریخی تاکنون نشان داده است، نخواهد توانست جلو مبارزات انقلابی آنان را مسدود نماید.

مهاباد

روز ۲۳ مهرماه مزدوران معروف به جاشهای منگور، اهالی روستای "گماردی" منطقه منگوران مهاباد را با زور اسلحه از خانه‌های خود بیرون رانده‌اند. تلاش اهالی برای بازگشت به محل کار و زندگیشان و اعتراض به عملکرد خائنانه جاشها، اکنون به نتیجه‌ای رسیده است.

اخبار جنبش توده‌های

پیش نیز دختران مرد زحمتکش توسط مزدوران دستگیر میگردد و هم اکنون در شکنجه‌گاههای رژیم ضد خلق زندانی است.

— مزدوران جنایتکار رژیم از روز ۲۴ آبان ماه بدست مزدوران روستای "قالوی" محاصره و مورد تهاجم قرار داده و سپس با تهدید و ارباب روبرو و شتم بی حد موقت میشوند که زحمتکشان را وادار نمایند تعدادی اسلحه سبک را به آنان تحویل دهند.

زحمتکشان خلق کرد با بدست آمدن آنکه تحویل سلاح به رژیم در حکم تسلیم به سیاستهای ارتجاعی اوست و مقابله با اهداف انقلابی و منافع توده‌های خلق شده‌اند کردستان است. زحمتکشان خلق کرد پس از ۷ سال تحمل سرکوب و وحشیانه‌ترین اعمالی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی بر آنها اعمال گردیده باید با نفی آگاه باشند و هرگز در مقابل شوط‌ها و خواسته‌های فدا انقلابی وی سر تعظیم فرود نیاورند.

— روز ۲۶ آبان ماه پس از سه روز محاصره و سرکوب زحمتکشان توسط مزدوران، مستقر در پایگاه روستای "قالوی" میانی، جنایتکاران جمهوری اسلامی موفق میشوند تعدادی اسلحه از زحمتکشان این روستا تحویل بگیرند. روز ۳۰ آبان ماه مجدداً سرکوبگران به این روستا حمله و می‌شوند ۳ تن از زحمتکشان را دستگیر و به پایگاه روستای "قالوی" به بان "میرند، مزدوران در همان شب ۲ پسر مرد زحمتکش را در روستای "قالوی" به یگان شیر دستگیری نمایندگان می‌خواهند که سلاح تحویل بدهند، افراد دستگیرنده دست به اعتراض می‌زنند و مزدوران رژیم برای تسلیم دستگیرندگان اقدام به شکنجه و ضرب و شتم آنان می‌نمایند.

زنان زحمتکش روستای "قالوی" به یگان "در اعتراض به این اعمال جنایتکارانه و برای رهایی افراد دستگیر شده با سنگ و چوب به افراد پایگاه حمله و می‌شوند و دادن شعار علیه رژیم می‌دارند. مزدوران که از حرکت وسیع زحمتکشان و سوز و گداز مبارز روستا به وحشت می‌افتند اسرا را آزاد می‌

سازند اما روز دوم آذرماه ۳ تن دیگر از زحمتکشان روستای مذکور را دستگیر می‌سازند و از آنان اسلحه مطالبه میکنند، تمامی این فشارها و تضییقات بر روی زحمتکشان این روستا و سایر روستاهای منطقه "گورک" مهاباد ادامه همان سیاستهای ارتجاعی رژیم است تا بدین وسیله هرگونه اعتراض و مقاومتی از جانب توده‌ها را به شکست بکشاند. زحمتکشان خلق کرد با بدست آوردن تکیه بر اتحاد و همبستگی خود در مقابل سیاستها و انواع حیل‌های رژیم دست به اعتراض زده و با هرگونه تسلیم طلبی مبارزه نمایند.

خلق زحمتکشان روستای "قالوی" میانی، سه اولین و نه آخرین شوط رژیم است. تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های رژیم جمهوری اسلامی به معنی پذیرش حاکمیت شکنجین چنین رژیم سفاکی است، امری که توده‌های خلق کرد پس از ۷ سال حاکمیت ارتجاع هرگز به آن تن نداده و نخواهند داد.

— در تاریخ ۱۳ آذرماه جاشه‌ها و پاداران گروه ضربت "خلیفان" به محلی موسوم به "آسیاب جهانگیر" واقع در پشت روستای "تاچی" دهر "حمله می‌برند و خانه فرد زحمتکش را به آتش می‌کشند. همین گروه جنایتکار روزهای ۱۹ و ۲۰ آذرماه پس از محاصره روستای "میردی" اهالی زحمتکش این روستا را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و خواستار تحویل اسلحه از آنان میشوند.

— چندی پیش ۴ مرد و مسلح رژیم در روستای "کوخان" بازو وارد منزل یک روستائی شده و از وی مبلغ ۷۰۰۰۰ تومان اخاذی میکنند.

— روز ۱۹ آذرماه مزدوران رژیم موسوم به گروه ضربت یوکان روستای "پیربادی" واقع در منطقه "گورک" مهاباد را محاصره و داخل روستا هجوم می‌برند. مزدوران پس از ضرب و شتم اهالی شروع به تفتیش خانه‌های آنان نموده و به چیدن از اهالی میگویند که باید خود را به واحد اطلاعات سپاه معرفی نمایند.

میریوان

زحمتکشان روستاهای "قولقوله"، "خانم‌کون"، "جی ژنی" و "با شماغ" علیه سیاست کوچ اجباری رژیم و

تهدیدات مزدوران دست به اعتراض زدند. اهالی این چهار روستا برای اعتراض به فرمانداری شهر مهاباد رفتند. مردم این روستاها جهت ادامه اعتراض نمایندگان از بین خود انتخاب نموده و راهی تهران شدند؛ لازم به یادآوریست که اهالی این روستاها تاکنون و به ویژه در شرکت‌های شدن دامنه جنگ ارتجاعی ایران و عراق بارها ناچار به ترک محل کار و زندگی خود شده‌اند و این بار نیز اعتراضی به درخواست مزدوران نکرده‌اند.

— از تابستان امسال جهاد سازندگی از طریق شورای اسلامی روستای "نه ده" از هر خانواده این روستا مبلغ پانصد تومان پول گرفتند تا برای روستا شان حمام درست کنند. اما پس از چندی کار ساختمانی حمام متوقف شد و روشن گردید که مزدوران با این حربه از زحمتکشان پول اخاذی نموده‌اند.

در منطقه "خاومیرتا" و "مزدوران گروه ضربت مستقر در "بیه‌کهره" روز ۲۷ مهر ماه به روستای "وشکن" یورش برده و یکی از اهالی زحمتکش را و حشانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. فرد مزبور در اثر شدت ضربات وارده بر بدنش بحالت اغدا بر زمین می‌افتد و علی‌رغم اینکه برای معالجه به تهران منتقل میگردد فردی آنروز جان خود را از دست میدهد و بدین ترتیب یکی دیگر از زحمتکشان کردستان قربانی ددمنشی مزدوران رژیم میگردد و خانواده وی شز تهدید گردیده تا علیه مردمی را تصادف را زندگی جلوه دهد.

— روز ۴ آبان مزدوران رژیم تعدادی از اهالی روستای "ره‌شده" در حومه شهر مریوان را دستگیر کردند. آنها همچنین یک تراکتور روستای "عمرنا" را توقیف میکنند و مائیل و اموال یکی از آوارگان جنگی مریوان که به روستای "ره‌شده" پناه برده بود غارت می‌نمایند. این اعمال غیرانسانی ختم و اعتراض اهالی را برمی‌انگیزد و زحمتکشان طبعی چند روز اعتراض متوالی مزدوران را بد عقب‌نشینی وادارند. در آنجا، مزدوران بحریک سفار از اهالی "ره‌شده" و راننده تراکتور بقیه دستگیرشدگان را آزاد می‌نمایند. اهالی دور روستای "ره‌شده" و "عمرنا" و "سمنور" آزادی دو نفر دستگیر شده از روستاهای اطراف تفادای پشتیبانی می‌نمایند و با حمایت دیگر زحمتکشان اهالی این دو روستا به مریوان رفته و در مقابل اداره اطلاعات

اخبار جنبش توده‌ای

سپاه به اعتراض خود ادامه می‌دهند که این بار نیز زحمتکشان موفق گردیده و هر دو نفر آزاد می‌شوند.

روز نهم آبان ماه مزدوران گروههای ضربت رژیم به روستای "لنج تاوا" در حومه شهر مریوان یورش برده و به تفتیش منازل می‌پردازند. مزدوران یکی از اهالی را دستگیر نموده و اهالی نسبت به بازرسی منازل دستگیر می‌شوند و خواهان آزادی اومی‌شوند. مزدوران فرد دستگیر شده را به مریوان منتقل می‌نمایند و اهالی برای آزادی وی به مریوان مراجعه می‌کنند.

در تاریخ ۲۷ آبان ماه مزدوران رژیم روستاهای "ساوجی"، "جه‌ژنی تاوا" و "مهر" که در یژ بزرگ بوده و زحمتکشان این روستاها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، گرچه اولین بار نیست که رژیم در جهت برقراری سلطه جابرانه خود دست به چنین اعمال جنایتکارانه‌ای می‌زند اما تداوم این سرکوب‌ها در راستای سیاستهای ارتجاعی رژیم است تا بدین وسیله خلق کرد را به زانودر آورد، غافل از آنکه سینه‌های ستم‌دیده خلق کرد با تداوم مبارزه خود تمامی سیاستهای ارتجاعی و نوظه‌گرانه رژیم را خنثی خواهند نمود.

رژیم غرق در بحران جمهوری اسلامی نه تنها از تأمین حداقل امکانات زیستی و رفاهی توده‌ها ناتوان است، بلکه از حفظ استیصال و ورشکستگی بخشی از توده‌ها ناتوان است. ارتجاعی را مستقیماً با اخاذی مالی از توده‌ها تأمین می‌کند.

اخیراً با مطالبه ۱۰۰ هزار تومان از اهالی روستاهای "ره‌شده‌ی"، "سه‌لی"، "بیله" و "چاووک" واقع در حومه شهر مریوان که به مراجعه به جهاد سازندگی خواستار کشیدن برق روستای خود شدند عملاً زحمتکشان را وادار نمود تا از این خواست چشم‌پوشی کنند چرا که یکسال پیش اهالی روستاهای "سبف علیا" و "نه‌نه" مبلغ ۱۲۰ هزار تومان به اداره "جهاد سازندگی" مربوط پرداخته‌اند، اما رژیم از تأمین برق این روستا خودداری نموده، دوماه پیش به سازمان

این نهاد ارتجاعی کمک تعدادی از اعضا انجمن اسلامی روستای "نه‌نه" مبلغ ۵۰۰ تومان از هر خانواده بعنوان ساختن حمام گرفتند اما ساختمان حمام نیمه کاره ماند و رها گردید.

پیرانشهر

مزدوران رژیم با محاصره روستای "گه‌زگه" در منطقه پیرانشهر و هجوم به آن دامداران را دستگیر نموده و با اهالیست بسیار چندین بار سر آنان را در حوض آب مسجد روستا فرو می‌برند و بهانه‌ها را اینکه به پیشمرگان غذا داده‌اند آنها را تهدید و مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و به هنگام ترک روستا انبارهای علوفه را به آتش می‌کشند.

جاشهای مغرور و خود فروخته رژیم به فشارها و تضییقات خود علیه زحمتکشان افزوده‌اند، در همین رابطه به اهالی روستای "هنگه‌وی" گفته‌اند "در صورتی که سهم نفث و مواد سوختی را به شما می‌دهیم که سهمیه خانواده پیشمرگان و بازماندگان شهدای پیشمرگ را بدهید." اما زحمتکشان خلق کرد که همواره دوشادوش فرزندان خود مبارزه کرده و در هر حال پشتیبان نیروهای انقلابی و بازماندگان شهدای پیشمرگ هستند از این خواست ارتجاعی و ضد خلقی سرباز زده و با ابراز همدردی خود پاسخ یا وه‌گوشیهای این مزدوران را می‌دهند.

سنقر

چندی پیش نیروهای سرکوبگر روستای "خوره‌تا" در منطقه سرشوسنقر را محاصره کردند. مزدوران ۱۷ تن از اهالی روستا را بی‌هیچ دلیل و مدرکی دستگیر و راهی زندانها کردند. پس از شکنجه دستگیرشدگان ۱۲ تن از آنان را آزاد کردند و ۵ تن دیگر در اسارت مزدوران باقی ماندند که اطلاعی از سرنوشت آنان وجود ندارد.

مزدوران رژیم در تاریخ ۲۲ آبان ماه روستای "پایر علیا" در بخش سرشوسنقر را مورد هجوم و خشیانه قرار می‌دهند، گرچه این روستا در پی سیاستهای ارتجاعی

و سرکوبگرانه رژیم از مدت‌ها قبل خالی از سکنه شده بود، اما مزدوران باریختن نفت بر روی سوخت و علوفه زمستانه بی‌جای مانده زحمتکشان روستا و به آتش کشیدن آن اوج ددمنشی و وحشیگری را به نمایش گذاشتند. قبلاً نیز در اوایل مهر ماه به این روستا حمله ور شده و اهالی زحمتکش را وادار به کوچ کرده بودند.

شمال کردستان

روز ۹ آبان مزدوران مستقر در پایگاه "بهره" واقع در منطقه "گه‌لی" - برده‌های "به‌خانه‌یک" فرد زحمتکش یورش برده و با ضرب و شتم و توهین وی را به پایگاه خود منتقل می‌نمایند، فرمانده مزدور پایگاه در مقابل چشمان اهالی روستا که از زن و مرد و پیر و جوان در محفل حضور یافته بودند به افراد دست‌نخور می‌دهد فرد دستگیر شده را در آب سرد رودخانه بیاندازند و مدتی وی را در آن نگهدارند، پس از این آزار و خشیا نه مزدوران او را به رگبار بسته و به شهادت میرسانند و در کمال وحشیگری زن و فرزند شهید را نیز ببادکت می‌گیرند. فرمانده سردوران جهت تهدید اهالی خطاب به آنان می‌گوید "این سرنوشت همه شماست، پس مزدوران منزل این فرد زحمتکش را غارت کرده و مبلغ ۷۰۰۰۰ (هفتاد هزار) تومان پول نقد و مقداری طلا و جواهرات زن خانه را بتاراج می‌برند و یکبار دیگر اوج قساوت و ددمنشی خود را به نمایش می‌گذارند.

رژیم جمهوری اسلامی در ارتشدهید ناتوانیش برای تأمین تدارکات نیروهای سرکوبگر فشار بر اهالی زحمتکش این منطقه را افزوده است در همین رابطه مزدوران، زحمتکشان روستاهای شمال کردستان را تحت فشار قرار داده تا خوراک و نیازهای پایگاههای منطقه را تأمین نمایند. مزدوران اهالی روستاهای "کنار دروز" و "انزهل" را موظف نموده تا جهت برآورده شدن این خواست مزدوران اقدام نمایند.

آنان به بیکاری و تشدید محرومیت پس از چند روز معطلی آنان را وادار به پرداخت جریمه نمودند.

روز ۲۷ آنان ماه پس از آغاز کار روزانه در شهر مزدوران به دستگیری جوانان در کوچه و بازار پرداخته و مدها نفر را دستگیر نمودند. مزدوران ۲۵۰ نفر از دستگیرشدگان را سرپا به پادگانها عجب شیروتریر اعزام کردند. اهالی بوکان در اعتراض به این دستگیریهای گسترده، مغازههای خود را بسته و دست کار کشیدند. شب دوازدهم آبانماه نیز مزدوران با اعلام حکومت نظامی به بازرسی منازل و دستگیری جوانان پرداختند.

مهاباد

چندی پیش در مهاباد در نتیجه یک درگیری لفظی بین جوانی بایکسی از مزدوران، افراد "ثارالله" جوان راه زیر مشت و لگد کشیده و او را به ستاد خود میبردند. در اثر شدت ضربات مزدوران، جوان مذکور جان خود را از دست داد.

همچنین در اثر شلیک یک نارنجک سر ۳- توسط مزدوران بسوی دانش آموزان در روز ۲۲ مهرماه یکی از دانش آموزان مدرسه ۲۲ بهمن شهر جان خود را از دست داد و نفر دیگر مجروح گردیدند.

سقز

راشدگان زحمتکش شهر از سوئی مسائل مشکلات اقتصادی و کمبود وسائل بهداشتی روبرو هستند و از سوئی دیگر کمبود بنزین گازوئیل و روغن بر مشکلات آنان افزوده است. رژیم به تعهدات خود مبتنی بر تحویل سهم بنزین به ماشینهای مختلف عمل ننموده و راشدگان ناچاراً مدت زیادی از وقت روزانه خود را با مصرف های طولیل بنزین میگذرانند و با بنزین را از بازار آزاد به چندین برابر قیمت اصلی خریداری می نمایند. همچنین ارگانهای مختلف رژیم اعم از شهرداری، پلیس راه از راشدگان به بهانه های مختلف اخذ مالی می کنند.

سقز

ساعت ۳/۵ بعد از ظهر ۵ آذرماه جاری چند هواپیمای بمب افکن عراق شهر سقز را بمباران نمودند که در نتیجه این عمل و حشانه ۸ تن از اهالی بیدفاع شهر در حمام "شمیشه" جان خود را از دست دادند و قربانی جنگ ارتجاعی شدند. خسارات مالی زیادی نیز به اهالی این شهر وارد آمد.

مریوان

در اواسط آذرماه برای چندمین بار در سه سال گذشته، شهر مریوان مورد تهاجم هواپیماهای رژیم عراق قرار گرفت و در این بمباران محله پشت بیمارستان و میدان مرکزی شهر بشدت ویران گردید و در نتیجه این عمل جنایتکارانه ۲ تن از اهالی زحمتکش قربانی سیاستهای ارتجاعی و جنگ طلبانه سرمایه داران شدند و تعدادی نیز زخمی گردیدند. لازم به یادآوریست که شهر مریوان تقریباً خالی از سکنه شده است و تنها تعداد کمی از زحمتکشان شهر که هیچ امکان زیستی در روستاها و شهرهای دیگر ندارند بناگزیر در شهر مانده اند.

چند خبر از: شهرهای کردستان

بوکان

طی روزهای ۸ و ۹ آبانماه مزدوران با اعمال فشار بر راشدگان زحمتکش با رکشای سه چرخه از هر کدام از آنان ۵۰۰ تومان پول اخاذی نمودند. مزدوران با دستگیری راشدگان به بهانه نداشتن پروانه رانندگی آنان را به شهر بانی منتقل نمودند و با تهدید

☆ اخبار جنبش توده های

چند خبر کوتاه از: جنگ ارتجاعی ایران و عراق

سردشت

در اثر توب باران روستای "مام گاو" در بخش سوسنی سردشت در بعد از ظهر روز ۲۰ مهرماه یک زن جوان باخت و عف نواز اهالی مجروح گردیدند. همچنین خساراتی بر اهالی این روستا وارد گردید.

روز اول آبان ماه بمب افکنهای عراقی روستاهای "باس ناوی"، "بیوه ران" "کونه متکی" در بخش سوسنی سردشت را مورد حمله قرار دادند که در اثر آن بیش از ۱۰۰ تن از مردم بیدفاع جان باختند و قربانی جنگ ارتجاعی ایران و عراق گردیدند.

روز بعد نیز روستاهای "دارساوین" و "بیلانلی" در منطقه سردشت و دو مرکز نظامی رژیم که در اطراف روستاها قرار داشتند توسط هواپیماهای عراقی بشدت بمباران گردید. در این بمباران دهها نفر از اهالی بیدفاع این روستاها جان خود را از دست دادند.

همچنین در اثر توب باران تعدادی از روستاهای "آلان" در روز ۲۱ مهرماه در نتیجه اصابت ترکش توپ یکی از اهالی جان خود را از دست داد و ۵ نفر مجروح شدند.

اورامانات

در اثر توب باران شهر "نه ورشه"، علاوه بر خسارات مالی وارده به مردم شهر دوش از اهالی جان خود را از دست داده و چند نفر دیگر شدت مجروح گشتند.

اخبار جنبش توده‌ای

آشنوبیه

در ادامه تشدید سیاست سربازگیری در هفتاد و پنج آبان ماه طی چند روز متوالی در مسیرهای اصلی داخل شهر و راههای ورود به آن مزدوران به بازرسی پرداخته و حدود ۱۵۰ نفر از جوانان را برای اعزام به جبهه‌ها دستگیر نمودند.

سندج

روز ۸ آبان ماه، تعدادی از مزدوران رژیم به محله ۱۷ شهریور رفته و به بهانه‌های راهی صاحبان چند خانه مسکونی را تحت فشار می‌گذارند و جواز سکونت آنان را بایاره می‌کنند. این رفتار و قیاحت به موجب اعتراض اهالی می‌گردد و مزدوران یک تن از معترضین را همراه خود به شهرداری می‌برند و چند ساعت در یکی از اتاقهای شهرداری حبس می‌سازند. در پی اعتراض مجدد تا می‌برده مزدوران به او می‌گویند چنانچه به سربازی بروی جواز شما مجدداً ما درخواست شما نرد دستگیر شده با یکی از مزدوران در راهرو شهرداری درگیر می‌شود، عابری که از منازعه مطلع می‌گردد موقتاً می‌شوند و مذکور را از جنگ مزدور شهرداری قرار می‌دهند. از آنجا که مردم همواره متوجه بیان اعتراضات و تفرقات و جاسار خود از مزدوران رژیم هستند، هنگامیکه این مزدور قصد داشت سوار اتومبیل شده و محل را ترک کند، تیش اتومبیل او را شکسته و او را پائین می‌کشند. مزدوران ثار الله برای مرعوب ساختن مردم خود را به محل می‌رسانند اما مردم ضمن دادن شعار علیه رژیم خواستار مجازات مامور یا شده می‌شوند.

در تاریخ ۲۵ آبان ماه، هنگامیکه ده اتومبیل در مقابل بیپ سبزین "قبض آید" سندج جهت دریافت سهمیه گاز و شیل ایستاده بودند، مأموران به

راشندگان اتومبیل‌ها اطلاع می‌دهند که گاز و شیل تمام شده و باید محل بمب را ترک نمایند. راشندگان که با شنیدن این خبر سخت خشمگین شده بودند دست به اعتراض زده و دسته‌جمعی بسوی استانداری می‌روند و پس از یک ساعت مشاجره و اعتراض با مأمورین راهی فرمانداری شده و خواستار رستو سهمیه بندی و کاهش قیمت گاز و شیل می‌شوند. آنها ضمن طرح این خواسته اعتراض خود را در رابطه با گرانیز و زافزون و کمبود مواد خوراکی اعلام نموده و تهدید می‌کنند چنانچه به درخواستهای آنان رسیدگی نشود دست به اعتصاب خواهند زد. لازم به یاد آوریم که کمبود سوخت که یکی از مشکلات عذیده مردم است، محدود به این شهر نیست و بازنسباً سیاستهای ارتجاعی رژیم در نا توانی از برآورده ساختن حداقل نیازهای توده‌ها در سراسر کشور بشمار میرود.

توده‌های مردم سندج در روز ۲۷ آبان ماه هنگامیکه در محل توزیع ارزاق و مواد خوراکی برای دریافت سهمیه مایون می‌گشتند، با یکدیگر مشغول صحبت کردن می‌شوند. کمبود و گرانیزی سرسام‌آور و افزایش قیمت کالاهای ضروری معورتاً می‌محبت‌های اعتراض آمیز آنان می‌گردد. مزدوران رژیم برای جلوگیری از گسترش اعتراضات توده‌های خشمگین محل را تحت کنترل درمی‌آورند و روز بعد یعنی ۲۸ آبان ماه نیز در خیابان "استاندار" نیروهای سرکوبگر برای پیش‌گیری از تظاهرات به مردم یورش می‌برند. این اعمال مزدوران، وحشت رژیم را از تجمع توده‌ها و از خشم و کین انباشته آنان که مردم احتمال انفجار آن می‌روند به آشکار ترین شکلی به نمایش می‌گذارد.

جمهوری اسلامی که طی ۷ سال حاکمیت نکبت با خود جز گرانی، بیکاری، جنگ، اختناق و سرکوب برای کارگران و زحمتکشان ارمانی نداشته است، همواره به انواع حیل‌ها متوسل می‌شود تا بنحوی جبهه‌های جنگ ارتجاعی را پرماسد. در ادامه چنین سیاستی مزدوران رژیم روز ۸ آذر ماه محله فقیرنشین "گانی کوزه‌له" شهر سندج را مورد یورش قرار می‌دهند و ۱۲ نفر از دست‌فروشان این محله را به جرم "عدم تعین" دستگیر و ضمن ضبط امسوال ناچیزشان آنها را به همراه خود به شهرداری می‌برند. هنگامیکه دستگیرشدگان در شهرداری به این اعمال وحشیانه مزدوران معترض می‌شوند، شهردار مزدور سندج و سرپرده به آنها می‌گوید:

"شما حق ندارید چیزی بفروشید، بجرم عدم تعین در خیابانها و بیاد نه‌ها جریمه می‌شوید، اگر تا چهار روز و معیشت شما تا مینمیشود اسلحه بردارید و در بسیج استخدام شوید."

یکی از زحمتکشان در جواب شهردار می‌گوید: "مردن از گرسنگی بهشت‌راز مزدوری است." و با بیان این حقیقت شهردار را وادار به سکوت می‌کند.

لازم به یاد آوریم که زحمتکشان این محله با راه‌جست تا مین نیازهای اولیه خود از قبیل آب و برق و بایا علیه سیاستهای ارتجاعی مزدوران دست به اعتراض زده‌اند و تنفر عمیق خود را از رژیم به نمایش گذاشته‌اند.

در همین تاریخ (۸ آذر ماه) مزدوران شهرداری سندج در محله "راه ۱۷ شهریور" دست‌فروشان این محله را نیز مورد حمله قرار می‌دهند و بقمیدردن آنها چندتن را دستگیر می‌سازند. زحمتکشان متحد و یکپارچه دست به اعتراض می‌زنند و مردم نیز با مشاهده این اعمال وحشیانه به کمک دست‌فروشان زحمتکش رفته و با مزدوران درگیر می‌شوند. سرکوبگران که از گسترش اعتراضات به وحشت می‌افتند دست به اسلحه می‌برند اما مردم با شایرهای مرگ بر پاشدار، مرگ بر شهید، و مرگ بر سر رژیم، مزدوران را وادار به فرار می‌کنند. یکی از دست‌فروشان پس از این حرکت موفقیت‌آمیز خطاب به دیگر زحمتکشان می‌گوید: "اگر همیشه و در هر کاری این چنین متحد باشیم مزدوران نمی‌توانند به ما تعرض کنند."

رژیم جمهوری اسلامی که تا مین هزینه‌های جنگ ارتجاعی عاجز مانده است، به‌سنا وین مختلف و نیرنگهای کهنه‌شده سعی در چپاول توده‌ها دارد. چندی پیش مزدوران رژیم تحت عنوان "خواهران زینب" دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه "سید قطب" را تحت فشار قرار می‌دهند و از آنان می‌خواهند که برای کمک به "جبهه‌های جنگ" هریک مبلغی بپردازند. علیرغم چند روز تهدید و ارباب فقط چند نفر از وابستگان رژیم مبلغ ۲۰۰ تومان می‌پردازند، بدشال این شکست مفتضحانه، مزدوران متوسل به نیرنگ دیگری شده و به بهانه برگزاری مراسم "هفته وحدت" هریک از دانش‌آموزان را مکلف به پرداخت ۲۰ تومان جهت هزینه مراسم می‌کنند و به آنها می‌گویند چنانچه از پرداخت چنین مبلغی سرباز زنند از

مزبور دست به اعتراض میزدند و بسیار شعارهای غدریزم خشم و انزجار غسود را ابراز میدارند.

سازماندهی طبقه کارگر

یا . . .

و اتفاقی است. محفل های خانوادگی و شغلی، محله ای یا قهوه خانه ای فقط بدرد آن نوع سازماندهی کمونیستی میخورد که حزب کمونیستی همچون بلوک کومه له و سهند میسر و میلفش باشد.

تدقیق کنندگان مباحثات کنگره در رابطه با سازماندهی در میان کارگران هرچه که بیشتر میروند و مباحثات را تدقیق میکنند، بیشتر کنیه دهقانی خود را که میخواستند آنرا پوشیده بدارند، برمیلا میازند.

نشریه "کمونیست" می نویسد: "این اشکال (یعنی همان محافل کارگری مبتنی بر روابط خانوادگی و شغلی) جزء هویت طبقاتی کارگران است که اساساً حزبیت یافتن طبقه کارگر را ممکن میکند. اقشاری نظیر دهقانان و تولیدکنندگان خردشهری بدرجه ای که فاقد اینگونه آرایش های درونی اند، نسبتاً از منعکس کردن منافع خود در یک حزب سیاسی سراسری نیز ناتوان بوده اند." براسنی که این تحلیل از اشکال سازمانیابی طبقه کارگر که جزء هویت طبقاتی کارگران است، در زمره شاکی رهای نظری کومه له و سهند در میان پیروان جنبش خود بخودی و رسمیت بخشیدن به هر آنچه که موجود است، تا ابدالدهر باقی خواهد ماند.

آخو کجای محافل مبتنی بر روابط خانوادگی و شغلی جزء هویت طبقاتی کارگران است که اساساً حزبیت یافتن طبقه کارگر را ممکن میکند؟ کجای ایس محافل کیفیتاً متمایز از محافل مبتنی بر روابط خانوادگی، محله ای و دوستانه یا اقشار اجتماعی است؟ و آیا برابری مناسبتی، مبنای سازماندهی کمونیستی نیست؟ بیچاره مارتینسلف اکزونیست که کار را بر سندی گذاشته بود، و حال تدقیق کنندگان مباحثات کنگره دوم بلوک کومه له و سهند کار را بر مبنای روابط خانوادگی و شغلی می گذارند. علم داران "مارکسیسم انقلابی" ما به عهد ما و فوفا کتورها رجعت کرده اند.

دیواندازه

اخیراً رژیم با تحت فشار قرار دادن زحمتکشان دیواندازه در مسدد است تا با استفاده از جو حاصله ناشی از فقر، بیکاری و گمراهی که نتیجه سیاستهای ارتجاعی و غارتگرانه میباشد، زحمتکشان را که عمدتاً از روستاهای اطراف دیواندازه به این شهر آمده اند و دارای نگاهبانی از مقرها و مراکز نظامی نمایی، این سیاست فربکارانه که برای توده های ستمدیده کردستان ناشناخته نیست با اعتراضات پراکنده آنان مواجه گشته است.

— کمبود گاز و زوئیل و مواد سوختی و کوبنی شدن آن از جانب رژیم جمهوری اسلامی گرچه امر تازه ای طی چند سال حاکمیت ننگین رژیم نبوده اما احتیاج تهیه سوخت مورد نیاز زوئیل و ماشین آلات کشاورزان منطقه دیواندازه بر اثر سوزوئیهای عوامل رژیم با اختلال جدی روبرو گشته به نحویکه سوخت مورد نیاز تراکتورهای روستاییان که برای شخم زدن زمینها مورد نیاز است تا بایب گردیده و زحمتکشان منطقه ناگزیر به چند برابر قیمت مجبور به تهیه گاز و زوئیل برای تراکتورهای خود شده و اگرچه اعتراضات در رابطه با این سیاست های غارتگرانه از جانب زحمتکشان صورت گرفته اما عمدتاً پراکنده بوده است، اهالی زحمتکش منطقه با بسد دانسته اعتراضات خود را گسترش داده و بطور متحد علیه رژیم به مبارزه ادامه دهند.

بانه

جنایتکاران جمهوری اسلامی که از هیچ حسابی علیه خلق کرد و فروگسذاری نکرده اند، ساعت ۱۰/۵ بعد از ظهر سوم آذرماه ۲۰ جوان بیدفاع را بقتل میرسانند و بدین وسیله ماهیت ننگین رژیم را بیش از پیش برملا می سازند. در این روز جاشای خود فروخته به قصد سرقت از دو جوان بازور میخواستند که منزل مورد نظر را به آنها نشان دهند، پس از بمدار آوردن درب یک خانه مکتونی، صاحب خانه با مشاهده مزدوران دست به مقاومت زده و مزدوران که از انجام نوظف خود ناکام گردید، بودند هر دو جوان را به رگبار بسته و فرار میکنند. فردای روز این جنایت وحشیانه، اهالی شهر بانسه به هنگام مراسم تدفین جنازه دو جوان

اخبار جنبش توده های

شهرات امتحانی آنها کسر خواهد شد! و بدین ترتیب مبلغ ۱۴ هزار تومان از دانش آموزان اخاذی و بعنوان کمک دانش آموزان! به جیبها، تحویل رژیم میشود. هنگامیکه دانش آموزان از این حیل مزدوران مطلع می گردند متحد و یکپارچه اعلام میدارند تا هنگامیکه پولهایشان پس داده نشود از رفتن به کلاس خودداری خواهند کرد. دانش آموزان ضمن دادن شعارهای بر علیه رژیم شیشه های مدرسه را نیز می شکنند، عین همین جریان نیز در مدرسه راهنمایی فردوسی تکرار می شود و دانش آموزان پس از پی بردن به حیل مزدوران "خواهران زینب" متحداً دست به اعتراض میزنند و ضمن دادن شعار علیه مزدوران و رژیم جمهوری اسلامی شیشه های مدرسه را می شکنند و صدلیها را از طبقه دوم به حیات مدرسه پرت میکنند. مدیر مزدور مدرسه که از طغیان دانش آموزان مبارز سخت به هراس می افتد آنها را تهدید میکند چنانچه به کلاهای خود باز نگردند به سپاه تلغن خواهد زد، اما دانش آموزان بدون کمترین توجهی به تهدیدات مدیر سرسپرده به اعتراضات خود و دادن شعارهای از قبیل مرگ سر پاسدار، سرگ سر رژیم ادامه میدهند. لحظاتی بعد چند تومبیل برای مزدوران ضد انقلابی با تلیک هوایی وارد مدرسه شده که بابی اعتنایی دانش آموزان روبرو میشوند، مزدوران ۳ تن از ذخائر دانش آموزان دستگیر میسازند، اما هنگامیکه قصد سوار کردن آنان را به اتومبیل ها داشتند دانش آموزان انقلابی دسته جمعی به مزدوران حمله ور شده و دستگیرشدگان را آزاد میسازند. مزدوران "نارالله" با مشاهده این اعتراضات و وحشت از گسترش آن خطاب به "خواهران زینب" میگویند "از دست ما کاری ساخته نیست". و مدرسه را ترک میکنند، متعاقب این اعتراضات مدیر خائن و خود فروخته به دانش آموزان وعده میدهد که اگر به کلاسها برگردند پولهایشان مسترد خواهد شد.



استثمارگران دست به عمل می زنند، اگر منافع مشترک بورژوازی حاکم بر ایران و امپریالیسم آمریکا ایجاب میکند که در سرکوب کارگران و زحمتکشان همدیگر را یاری کنند، کارگران و زحمتکشان نیز بخوبی دریافته اند که برای رژیم ورشکسته و ارتجاعی جمهوری اسلامی هیچ راهی بجز سرنگونی نهایی است. آنان نیز در تدارک نابود کردن بورژوازی وابسته به امپریالیسم و با جنگ علیه بلوک متحد امپریالیسم و پایگاه اجتماعی آن، بورژوازی حاکم را به زیر خواهند کشید.

پان اسلامیسیم "میانه روها" امپریالیسم !

مسئله مهمی است. خانه های در خطبه های نماز جمعه با برخاش به دستگاه های خبری از آنسان گلایه میکنند که چرا به نکته "اصلی" که در سخنان ریگان وجود داشت و سران رژیم با تکیه بر آن، می خواستند ثبات و قدرت خود را بنمایانند نمی پردازند؟! و در عوض به مسئله درجه دومی می پردازند که در شرایط کنونی به عاملی منفی و در جهت تضعیف رژیم تبدیل گشته است! مسئله درجه دوم مورد نظر خانه های، همان خرید اسلحه از آمریکا و یا در میانسی صهیونیست ها و پرداخت پول سلاحها به فدا انقلابیون ما موزانی است که اکثر تبلیغات عموماً در این روند سر کرده است. اما کارگران و زحمتکشان ایران که تحت سخت ترین شرایط زیستی به سر می برند، بی آنکه کمترین توهمی نسبت به دشمنان خود داشته باشند، از او بی منافع خود به این مسائل می نگرند. اگر سرمایه داران و امپریالیستها برای حفظ منافع خود و برای تحکیم مناسبات

و اما نه برقراری مناسبات رژیم با امپریالیستها، نه تحویل سلاحها و تجهیزات آمریکائی، هیچیک نتوانست گزهری از خشکلات رژیم را بگشاید و اهداف او را برآورده سازد. حتی تبلیغات ادامه دار و فریکارانه ای که متعاقب آن رژیم سعی کرد تا با دادن زدن به آن با اصطلاح خود را تثبیت شده قلمداد کند، به جایی نرسید و در عمل خلاف میل مقامات رژیم پیش رفت. سخنان ریگان نیز مبنی بر اینست که جمهوری اسلامی واقعیتی است که باید آن را پذیرفت، نتوانست به نقطه اتکالی برای رژیم تبدیل شود. تاثيرات افشاء گرانه مناسبات ایران با اسرائیل و آمریکا، اثرات نطق ریگان را زائل کرد تا آنجا که خانه های در نماز جمعه ۱۴ آذر ماه میگویند:

"در مجموع یک ترفند تبلیغاتی و سیاسی اینجاست و در ادو آن عبارت از این است که بایک هیاهو و جنجال در یک مسئله درجه دومی کنند مسئله درجه یک را تحت الشعاع قرار دهند مسئله اساسی این است که یک اسرقصدت در شانته آمده به سراغ یک کشور آزاد انقلابی مستقل و از او روابط سیاسی گدائی کرده این مسئله اصلی (است) که بسیار هم

پسوزش و تمحیح:
در شماره قبل ریگای گسل
صفحه ۱۱، سطرهای ۷ و ۸ بجای
(امپریالیستها ی انگلیسی و هلندی)
اشتباه (کمونیسست های انگلیسی و هلندی) تایپ شده است که بدین
طریق اصلاح می گردد.

غنائم بدست آمده

۵۲	جنگ افزار انفرادی
۳۵	انواع نارنجک
۳	بی سیم
۱۳۸۲۰	انواع فشنگ
۱۲۶	خشاب
۳	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۰	کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۲	پروستن فریب خوردگان

۳ فشنگ ۲۲ صندوق

تیر فشنگ ۳۰۰۰۰

نارنجک یک صندوق

موشک آر بی جی ۴۰ عدد

تلفات دشمن

۲۸۰	کشته و زخمی
۱۸	اسرای دشمن
۲۸	خودروی منهدم یا سادره شده
۱۰	سلاحهای منهدم شده
۳	مهمات منهدم شده

جدول دو ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کسرد

۲۷ مهر ۲۷ آذر

عملیات پیشمرگه

۱۱	کامین و کنترل جاده
۶	مین گذاری
۲۷	مقاومت در برابر یورش رژیم
۲	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۴	مبارزه و انهدام تاسبات
۲۲	حمله به پایگاهها
۷۵	جمع

۳۱	شیدای پیشمرگه
۱	اسلحه سید فاع

سدرکه و توپی بزوتنه وهی شورشیگرانه ی گه لی کورد

پیشانی مایه‌های انقلاب

سازماندهی طبقه کارگر یا رجعت به عهد مانوفاکتور

زنده باد جنبش خودبخودی، زنده باد اکوئوسیم، زنده باد سازماندهی خودبخودی کارگران، این چکیده مباحثات کنگره دوم حامین سوسیالیسم دهقانی است که مدتها تلاش نمودند اکوئوسیم، هراکنده کاری و تسلیم‌طلبی را با نقاب "مارکسیم انقلابی" بیوتانند. درپوش "مارکسیم انقلابی"، چپ سنتی و در صفحه ۶

هفتم آذرماه، مصادف با ۲۸ نوامبر، یکم دوشم و نهمین سالگرد تولد

فردريك انگلس آموزگار کبير پرولتاریا

سیام آذرماه، مصادف با ۲۱ دسامبر، یکم دوهفتمین سالگرد تولد

رفیق استالین

بیست و نهم آذرماه، یکم دوهفتمین سالگرد تولد

کمونئیست کبير حیدر عمو اوغلی

گرامی باد

اخباری از جنبش نشنوده‌ای

در صفحه ۱۳

انقلاب اکتبر مارش ظفر نمون پرولتاریای آگاه و متشکل

طبقه کارگر روسیه با جلب پشتیبانی دهها میلیون دهقان تپه دست، سران و ملوانان، حاکمیت شورائی را جایگزین حاکمیت بورژوازی نمود. با اولین فرمانهای ستاد سرخ رهبری انقلاب، تحت حاکمیت نهادهای شورائی، شورشهای

در صفحه ۷

هفتم نوامبر ۱۹۱۷ با مارش ظفر نمون انقلاب پرولتری وطنی یک تیسام مسلحانه، بورژوازی روسیه را از یک قدرت به زیر کشیده شد و طبقه کارگر جهانی به یکی از عظیم ترین پیروزی های تاریخی اش که در سراسر زندگی بشریت بی نظیر بود دست یافت.

پادی از: جنبش ملی آذربایجان

رویدادهای شهریور ۱۳۲۰ و حوادث پس از آن که مقارن با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی بود، تاثيرات خود را بصورت بحرانی همه جانبه در ایران بجای گذارد.

خلق آذربایجان که در انقلاب مشروطیت پیش از بود پس از گذشت یکدهه از انقلاب مشروطیت نه تنها به ابتدائی ترین حقوق خود منجمد خواست "ملی" دست نیافت، بلکه مورد ستم ترسین یورشها

در صفحه ۱۰

۱۳ آبان سال ۵۷، روز خونین دانش آموز و ۱۶ آذر سال ۳۲ روز دانشجو گرامی باد.



رادیو

صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر
ساعات ۸/۵ جدا از ظهر
۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

هفتی گره پیروز است

جدول دو ماهه
عملیات پیشمرگان
خسلق کسرد
در صفحه ۲۱

کشتار و ستانیان ایندرفاش در

۱۳ آبان ۵۹ تجلی
ارتجاع لجام گسیخته
رژیم جمهوری اسلامی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق